

فصل اوّل

کلیّات

۱- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی

دوره اول متوسطه

اصول حاکم بر برنامه درسی دینی، دو دسته‌اند، اصولی که بیشتر به درس دینی اختصاص دارند و کاربرد اصلی آنها مربوط به این درس است و اصولی که عام و فراگیر هستند.

الف) اصول خاص: برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه براساس اصول ذیل طراحی شده است^۱:

- ۱ محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (علیهم‌السلام)
- ۲ تنظیم محتوا در جهت تبیین برنامه نظری و عملی زندگی دینی در دنیای امروز
- ۳ توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی
- ۴ ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب
- ۵ فراهم کردن فرصت تجربه و تأمل با خود
- ۶ ترسیم سیمای معقول و زیبای دین
- ۷ پیراستن دین از خرافه‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین
- ۸ ارائه برنامه جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی
- ۹ ایجاد آمادگی در دانش‌آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب
- ۱۰ سمت‌گیری برنامه درسی در جهت وحدت اسلامی
- ۱۱ حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (علیه‌السلام) در کالبد محتوای آموزش
- ۱۲ بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین
- ۱۳ توجه به نیازها و ویژگی‌های دختران و پسران
- ۱۴ تقویت احساس نیاز به دین
- ۱۵ توجه به آموزش‌های خاص اهل سنت
- ۱۶ توجه به آموزش‌های خاص اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)

ب) اصول عام

- ۱ توجه به نیازهای فطری و نیازهای روز دانش‌آموز در فرایند آموزش
- ۲ استفاده از علوم روز
- ۳ پرورش مهارت‌های تفکر

۱- بسط و تفصیل این مطالب در راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه آمده است.

- ۴ بهره‌مندی از فناوری‌های جدید در برنامه درسی
- ۵ رعایت پیوستگی و انسجام طولی و عرضی در برنامه درسی
- ۶ توجه به دانش‌آموزان ویژه و استعداد‌های برتر
- ۷ ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش
- ۸ امکان توسعه و تکمیل و تجدیدنظر در برنامه

۲- مفاهیم اساسی

مفاهیم اساسی برنامه درسی که جهت‌دهنده و تعیین‌کننده موضوعات کتاب درسی است، براساس سؤال‌های اساسی انسان و سؤال‌های متفرع بر آن تنظیم یافته است. این سؤال‌ها برخاسته از ویژگی انسان و جایگاه او در جهان هستی است. دین، پاسخ خداوند به پرسش‌های اساسی انسان است که به‌طور فطری در نهاد خود دارد. این پرسش‌های اساسی و مفاهیم آنها عبارت‌اند از:

من کیستم	←	انسان‌شناسی
از کجا آمده‌ام؟	←	مبدأ (توحید)
به کجا می‌روم؟	←	معاد
در کجا هستم؟	←	جهان‌شناسی
راهنمای من در مسیر زندگی کیست؟	←	راهنما (نبوت، امامت و ولایت فقیه)
از کدامین راه؟ چگونه باید بروم؟	←	راه (برنامه دین)
همراهان من چه کسانی هستند؟	←	جامعه (امت اسلامی)
موانع و رهنمان راه کدام‌اند؟	←	دشمن‌شناسی

از آنجا که آغاز این سؤال‌ها در دوره اول متوسطه است، می‌توان مفاهیم اساسی را از متن آنها استخراج کرد و اهداف و موضوعات این درس را در پاسخ به این سؤال‌ها ترتیب داد. مزیت این ترتیب و تقسیم‌بندی آن است که انسان را موجودی پویا و در حال حرکت فرض می‌کند که برای رسیدن به مقصد و انجام حرکت درست نیازمند به راهنمایی است و آنچه به‌عنوان دین و راهنمایی الهی در اختیار او قرار می‌گیرد، پاسخی به سؤال‌های فطری اوست تا بتواند به مقصد برسد.

۳- اهداف، محورها و مفاهیم

اهداف راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی سابق براساس الگوی هدف گذاری بلوم^۱ در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری بود. اما هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی در برنامه درسی ملی، در قالبی کاملاً جدید صورت گرفته است. در این الگو، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون گوناگون حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه ای، در تدوین اهداف سطوح، راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان خواهد شد.

جدول ۱

ساحت های تربیت				
عرصه ها	رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خداوند)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان ها) با محوریت رابطه با خداوند	رابطه با خلقت (طبیعت و ...) با محوریت رابطه با خداوند
عناصر				
تعقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

در الگوی هدف گذاری، پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموزان با خود، خدا، خلق و خلقت، به صورت به هم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین شده است. عناصر پنج گانه در شبکه ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می شوند و در فرایند عملی تربیت، هر کدام می توانند متناسب با نیازها و شرایط دانش آموزان، سرآغاز سیر تربیتی باشند و سایر عناصر را تقویت کنند و تعمیق بخشند. در میان این عناصر، عنصر تعقل جنبه محوری دارد و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می شوند که هر کدام از آنها نیز مراتب معینی دارد.

براساس این الگو، اهداف دوره اول متوسطه را می توان در پنج عرصه بیان کرد :

اهداف	حیطه های اهداف
<p>۱- تفکر در صفات الهی از قبیل ناظم، ناظر، سمیع، مستعان، غفار</p> <p>۲- تفکر درباره معاد با موضوعات مرگ، حساسی در قیامت، تأثیر اعمال در جهان آخرت</p> <p>۳- تفکر در برخی کاستی های انسان از قبیل ناامیدی، غفلت و برخی توانایی های انسان از قبیل تفکر، رشد و هدایت</p> <p>۴- تفکر در ضرورت وجود راهنمای الهی در زندگی انسان</p> <p>۵- تدبر در کارکرد دین در زندگی انسان و برخی از مؤلفه های امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حجاب و عفاف</p>	<p>تعقل (تفکر و اندیشه ورزی)/ تأمل/ استدلال/ استنباط/ تجزیه و تحلیل/ توجه/ تدبر/ نقد/ کشف/ درک/ حکمت/ خلاصیت/ پژوهش)</p>
<p>۱- ایمان به صفات الهی از قبیل ناظم، ناظر، قادر، مستعان، غفار و ودود</p> <p>۲- ایمان و پذیرش مرگ و حساسی در قیامت و تأثیر اعمال این دنیا در زندگی اخروی</p> <p>۳- ایمان به ضرورت وجود راهنمای الهی در زندگی انسان</p> <p>۴- ایمان به امام زمان <small>علیه السلام</small> به عنوان حاضر موعود</p> <p>۵- ایمان به دستورات الهی همچون: نماز، راستگویی، روزه، طهارت، حجاب و عفاف، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد</p>	<p>ایمان (باور/ پذیرش/ تعبد/ التزام قلبی/ علاقه/ عاطفه/ نگرش مطلوب/ ارزش گذاری)</p>
<p>۱- کسب معرفت نسبت به صفات الهی از قبیل ناظم، ناظر، قادر، مستعان، غفار و ودود</p> <p>۲- آشنایی با مرگ به عنوان انتقال دهنده انسان به جهان آخرت، حساسی در روز قیامت و تأثیر اعمال انسان در زندگی اخروی</p> <p>۳- آشنایی با توانایی های انسان از قبیل تفکر، رشدیافتگی و هدایت پذیری و برخی کاستی های انسان از قبیل ناامیدی و غفلت و جهل</p> <p>۴- آشنایی با انبیا به عنوان هادیان الهی و ضرورت وجود آنها برای هدایت انسان</p> <p>۵- آشنایی با ویژگی های ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> به عنوان جانشینان پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و هادیان بعد از ایشان</p> <p>۶- آشنایی با احکام طهارت، نماز، نماز جمعه و جماعت، روزه، وضو، تیمم، تقلید، زیارت، غسل و مراسم مذهبی</p> <p>۷- آشنایی با رذایل اخلاقی از قبیل ناسزاگویی، دروغگویی، مدگرایی، مصرف گرایی، دل بستن به هوس های زودگذر، غفلت و آشنایی با ویژگی های اخلاقی پسندیده همانند تعاون، رعایت حق الناس، تلاش، کسب مال حلال، علم دوستی، امانت داری، نیکی به والدین و صداقت</p> <p>۸- آشنایی با احکام محرم و نامحرم، عفاف و حجاب</p>	<p>علم (کسب معرفت شناخت/ بصیرت/ آگاهی در ساحت های تربیتی)</p>

<p>۱- تلاش برای انجام اعمال مؤثر در زندگی آخرت</p> <p>۲- تلاش برای غلبه بر صفات ناپسند، استفاده صحیح از زندگی و پرهیز از دام‌های شیطان</p> <p>۳- تلاش برای انجام و مداومت بر صفات پسندیده‌ای از قبیل رعایت حق الناس، تلاش و کوشش و اندیشه‌ورزی در کارها</p> <p>۴- به جا آوردن اعمال و احکام دینی از قبیل نماز، نماز جماعت، نماز جمعه، روزه و غسل</p> <p>۵- تلاش برای رعایت احکام طهارت، زیارت، اذان و اقامه و مراسم مذهبی</p> <p>۶- تلاش به منظور رعایت حدود محرم و نامحرم و رعایت حجاب</p> <p>۷- تلاش در الگوگیری از زندگی پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> و ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>، عمل به آموزه‌های قرآن و عترت و بزرگان دین</p> <p>۸- تلاش در جهت مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی عصر حاضر از قبیل ماهواره، اینترنت، تلویزیون، موبایل، بازی‌های رایانه‌ای، مواد مخدر، مدگرایی، مصرف‌گرایی و تهاجم فرهنگی</p>	<p>عمل کار/ تلاش/ اطاعت/ عبادت/ مجاهدت/ کار آفرینی/ مهارت (... و)</p>
<p>۱- تزکیه نفس با الگوگیری از زندگی پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>، ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small> و بزرگان دین</p> <p>۲- اجتناب از اعمال غیراخلاقی همانند ناسزاگویی، تحقیر و توهین به دیگران، مدگرایی، حسادت، دوستی‌های بدون معیار، هوس‌های زودگذر و گرفتار شدن به خوانندگی‌ها، نوشتنی‌ها و دیدنی‌های نامناسب</p> <p>۳- تلاش در مداومت بر صفات اخلاقی پسندیده همانند تعاون، کسب علم، توجه به محرومان، امانت‌داری، رعایت حق الناس و صداقت</p>	<p>اخلاق (تزکیه/ عواطف/ ملکات نفسانی)</p>

۴- تحلیل اجزای درس‌ها

کتاب پیام‌های آسمان از هفت بخش تشکیل شده است. هر کدام از این بخش‌ها، عهده‌دار تبیین قسمت خاصی از اهداف و مفاهیم تعیین شده در راهنمای برنامه هستند.

❶ **ورودیه**: اولین بخش از بخش‌های هفت‌گانه هر درس از کتاب، ورودیه درس‌هاست. هر درس یک ورودیه دارد. کارکرد ورودیه ایجاد سؤال درباره موضوع درس و آماده ساختن ذهن دانش‌آموز است. نکاتی که ما در خصوص ورودیه به همکارانمان توصیه می‌کنیم عبارت‌اند از:

- ورودیه مقدمه و زمینه‌ساز ورود به درس است. لذا زمان قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. انتظار می‌رود برای ورودیه درس وقت مناسبی اختصاص یابد. البته ورودیه‌ها با هم متفاوت‌اند بعضی زمان بیشتری نیاز دارند. اگر ورودیه به خوبی اجرا شود زمینه مناسبی برای دستیابی به اهداف ایجاد می‌گردد.
- از ورودیه‌ها در آزمون‌های پایانی و آزمون‌های کتبی استفاده می‌شود. این بدین معنی است که متن ورودیه از بخش‌های آموزش رسمی درس است و متن حاشیه‌ای نیست.

● حتماً از دانش آموز در اجرای ورودیه کمک گرفته شود.

۲ محتوای آموزشی: محتوای آموزشی شامل آیات، احادیث، توضیح آیات و روایات و ترجمه آنها

و توضیح مفاهیم و اهداف درس. در این بخش شایسته است به این نکات توجه شود:

● انتظار می رود که بار اصلی آموزش این بخش را همکاران به عهده بگیرند؛ چون این بخش برای

دانش آموز جدید است و نمی تواند در فرایند تدریس به ما کمک کند.

● این بخش برای تمام آزمون ها منبع سؤال است و هیچ استثنایی ندارد. (البته بایستی از طرح سؤالات

حافظه محور پرهیز کرد و بیشتر به فهم مطلب توسط دانش آموز توجه داشت.)

● درس های احکامی و برخی درس ها که در حوزه مسائل اعتقادی است، به دلیل حجم بالای مطالب

آموزشی بایستی در بیش از یک جلسه تدریس گردد.

۳ فعالیت های کلاسی: فعالیت های کلاسی بخشی است که کتاب های جدید را از کتاب های قدیم به

لحاظ روشی جدا کرده است. هر درس حداقل از دو فعالیت کلاسی برخوردار است. این فعالیت ها که

بخشی از محتوای آموزشی است باعث مشارکت هر چه بیشتر دانش آموز در فرایند تدریس شده و بر کیفیت

یادگیری وی تأثیر فراوانی می گذارد. ملاحظاتی که در رابطه با فعالیت های کلاسی وجود دارد، شامل این

موارد است:

● بهتر است این فعالیت ها به صورت گروهی انجام شود. بدین گونه که گروه های چهار یا پنج نفره (بنابر

تعداد دانش آموزان) تشکیل شود و هر گروه درباره موضوع همفکری کرده و نتیجه توسط نماینده گروه بیان

شود.

● اجرای فعالیت های کلاسی وظیفه دانش آموز است و دبیر نقش هدایتگر دارد. هر چه حضور و نقش

دانش آموزان در فرایند تدریس بیشتر شود و زمان تدریس و صحبت های دبیر کاهش یابد، آن کلاس موفق تر

است. آنچه در خاطر دانش آموزان باقی می ماند همین فعالیت هایی است که آنها خودشان انجام داده اند.

● فعالیت های کلاسی در تمام آزمون های مستمر منبع سؤال است به جز پرسش های باز یا واگرا؛

پرسش های باز پرسش هایی هستند که بیش از یک پاسخ صحیح دارند؛ هر چه دانش آموز بگوید از نگاه ما

درست است؛ این سؤالات، سؤالاتی هستند که هر دانش آموز براساس فکر و اندیشه و تجربه های شخصی

خود پاسخ می دهد و به همین دلیل جواب های متنوعی ارائه می شود. این پرسش ها نمی توانند جزو سؤالات

امتحان پایانی باشند.

● فعالیت‌های کلاسی لزوماً باید در کلاس انجام شود. به این دلیل که فعالیت‌ها در همه درس‌ها مقدمه‌ای است برای بخش‌های بعدی خودش. اگر دانش‌آموز این قسمت از درس را متوجه نشود در بخش‌های دیگر هم دچار مشکل می‌شود؛ چون یک حلقه از زنجیر آموزش ما دچار آسیب شده است.

۴ خودت را امتحان کن: توجه به نکات این بخش ضروری است:

● پاسخ دادن به سؤالات این بخش برعهده دانش‌آموز است و دبیر نباید به این سؤالات خودش پاسخ دهد. به دانش‌آموز فرصت دهید تا بیرون از کلاس و با استفاده از اندیشه‌های خود و نظرات دیگران به جواب برسد و در جلسات بعد این پاسخ‌ها توسط دبیر کنترل و در صورت لزوم تصحیح شود.

● برخی پرسش‌های خودت را امتحان کن، دارای پاسخ صریح در متن نیستند و بایستی با کنکاش و دقت بیشتری توسط دانش‌آموز از متن درس استنباط شود.

۵ بیشتر بدانیم: بخش بیشتر بدانیم مباحث تکمیل‌کننده درس و برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است و دبیر می‌تواند در توضیح درس‌ها از آن استفاده کند و نمره تشویقی برای آنها در نظر بگیرد. اما در ارزشیابی مستمر و پایانی نباید از این قسمت‌ها سؤال طراحی شود.

۶ پیشنهاد: پیشنهاد فعالیتی اختیاری است که دانش‌آموز بیرون کلاس انجام می‌دهد. نکات قابل توجه این بخش عبارت‌اند از:

● اجرای این بخش برای دانش‌آموز الزامی نیست اما دانش‌آموزی که این پیشنهادها را اجرا کند در هر نیمسال تا دو نمره به عنوان تشویق دریافت می‌کند.

● از بخش پیشنهاد هیچ سؤالی طرح نمی‌شود؛ چون جنبه الزامی ندارد. متن خوانی، توضیح سؤال و بررسی جواب در کلاس لازم نیست.

● پیشنهادها کتاب انحصاری نیست؛ یعنی این طور نیست که چون کتاب برای این درس یک پیشنهاد داده شما به عنوان دبیر نتوانید خودتان به دانش‌آموز پیشنهاد دیگری بدهید.

۷ نیایش: آخرین بخش از بخش هفت‌گانه درس نیایش است. نکات قابل توجه در این بخش عبارت‌اند از:

● نیایش بخشی از محتوای درس است که برای تأثیرگذاری بر ساحت عاطفی دانش‌آموزان طراحی شده است. البته در ارزشیابی مستمر و پایانی نباید از این قسمت سؤالی طراحی شود.

● می‌توان در پایان و یا ابتدای تدریس کلاس از دانش‌آموزی خوش‌صدا خواست آن را برای همه

بخواند. در پایان درس نیز می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا یک بار دیگر مناجات را ببینند و ارتباط آن را با بخش‌های مختلف درس بیان کنند. این یک فعالیت خوب برای بچه‌هاست که باعث می‌شود دانش‌آموز درس را یک مرتبه برای خودش مرور کند.

۵- رویکردهای جدید در کتاب‌های پیام‌های آسمان

رویکردهای جدید کتاب پیام‌های آسمان را در دو جنبه می‌توان خلاصه کرد :

۱ رویکرد توصیفی در مباحث اعتقادی : موضوعات فطری در دوران کودکی و نوجوانی نیازمند به اثبات نیست. رویکرد فطرت‌گرا یکی از اصلی‌ترین رویکردهای کتاب پیام‌های آسمان است. در کتاب‌های فعلی درس توحید و خداپرستی وجود دارد ولی رویکرد آن اثباتی نیست؛ بلکه توصیفی است؛ یعنی به جای اثبات وجود خدا، بیشتر به توصیف صفات الهی از قبیل ناظم، غفار، مستعان و... می‌پردازد. همچنین در بحث معاد نیز به سراغ اثبات معاد نمی‌رود، زیرا، در این حیطه دانش‌آموزان دربارهٔ اثبات معاد سؤال ندارند، بلکه می‌گویند برزخ چگونه است؟ قیامت چگونه است؟ در قبر چه اتفاقی می‌افتد؟ بهشت چگونه جایگاهی است و... این از آن روست که اصل موضوع معاد مسئله‌ای فطری است و پرسش‌های دانش‌آموزان نیز بیشتر حول توصیف و تبیین دقیق موضوع است.

۲ رویکرد انگیزه‌بخشی در مباحث احکام : درس‌های احکامی کتاب، برای تدریس در دو جلسه طراحی شده‌اند. بخش اول درس که با رویکردی اعتقادی و اخلاقی درصدد انگیزه بخشیدن به مخاطبان برای عمل به احکام بیان شده در درس است، از جایگاه مهمی برخوردار است چرا که اساساً انسان موجودی منفعت‌طلب است و اگر احساس کند کاری برای وی منفعتی ندارد و یا ضرری را از او دفع نمی‌کند، به سراغ آن کار نمی‌رود. آیات فراوانی که در قرآن به منظور انداز و تبشیر انسان آمده است نیز توجه به همین مسئله داشته است.

از این رو در کتاب جدید تلاش شده است تا دربارهٔ نماز، روزه و سایر احکام دین، حتماً انگیزه‌سازی صورت گیرد که بخش اول دروس احکام این وظیفه را برعهده دارد. بنابراین تأکید می‌شود که این بخش در یک جلسه مجزا تدریس شود.

بخش دوم دروس احکام نیز به بیان دقیق احکام و آموزش آن می‌پردازد. هدف از این قسمت یادگیری دقیق احکام توسط دانش‌آموز و تثبیت آن در ذهن وی است.

۳ فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند تدریس : کتاب‌ها به روش آموزش فعال نوشته شده است. روش فعال، روشی است که مشارکت دانش‌آموز را در فرایند یاددهی - یادگیری، در پی داشته باشد. برای اجرای

روش فعال انتظار می‌رود مؤلفه‌های ذیل در نظر گرفته شود :

- اولین جلسه، دانش‌آموزان گروه‌بندی شوند. گروه‌بندی باعث می‌شود بچه‌های خاموش در کلاس در درس شریک شوند. بهتر است گروه‌ها بین ۴ تا ۶ نفر باشند. گروه بیش از ۶ نفر، گروهی استاندارد نیست.
- شیوه صحیح فعال‌سازی دانش‌آموزان در تدریس این است که به آنان اجازه صحبت کردن داده شود؛ هرچند که مطالبشان چندان دقیق و منطقی نباشد. آموزه‌هایی که توسط خود دانش‌آموزان کشف و استنباط شود از عمق و ماندگاری بیشتری برخوردار است. فعالیت‌های کلاس فرصت خوبی است تا به دانش‌آموزان فرصت اظهارنظر دهیم و خود به عنوان ناظر اصلاح‌کننده اشتباهات و خطاهای آنان باشیم.

۶- ارزشیابی

یکی از ارکان مهم برنامه درسی و فرایند یادگیری ارزشیابی است. ارزشیابی به دو منظور انجام می‌گیرد :

■ تعیین میزان تحقق اهداف یاددهی - یادگیری

■ تثبیت و تحکیم آموخته‌ها

ارزشیابی متداول در درس‌های گوناگون، در صورتی که در شکل مطلوب خود انجام گیرد، اقدامی برای تعیین میزان تحقق هدف‌های شناختی، نگرشی و مهارتی است. این ارزشیابی گاه در قالب توصیفی و کیفی انجام می‌شود و دستاوردهای کیفی تبدیل به معیارهای کمی می‌شود و به شکل نمره اعلام می‌شود تا نشان دهد که دانش‌آموز تا چه میزان به هدف‌های یادگیری نائل شده است. گاهی نیز ارزشیابی از ابتدا معیاری کمی دارد و به صورت نمره دادن به سؤالات شفاهی یا کتبی انجام می‌گیرد.

در آسیب‌شناسی برنامه‌های درسی، یکی از آسیب‌های برنامه‌ها، ارزشیابی متکی برآزمون کتبی است که غالباً آزمونی از شناخت‌های مانده در حافظه است و از اهداف مهارتی و نگرشی غافل می‌ماند. اما اگر این آسیب برطرف شود و ارزشیابی بتواند مجموعه اهداف را پوشش دهد، امری مطلوب و پسندیده است که لازمه آن اولویت بخشی به آزمون مستمر و سنجش مهارت‌های مختلف و کاستن از آزمون‌های کتبی یا شفاهی محفوظات است. اما وقتی به ماهیت تعلیم و تربیت دینی می‌نگریم و آن را با سایر درس‌ها مقایسه می‌کنیم، تعلیم و تربیت دینی درسی در عرض درس‌های دیگر نیست. در کلامی اجمالی، تفاوت این درس با سایر درس‌ها این است که همه درس‌ها ابزارهای زندگی‌اند و تعلیم و تربیت دینی خود زندگی است.

نظام فعلی آموزش و پرورش که درس دینی را در تلقی مخاطبین به درس هم عرض درس‌های دیگر تبدیل کرده این نتیجه را رقم زده است که دانش‌آموز میان درس دینی و دینداری خود رابطه‌ای نبیند و چه بسا نمره‌ای کم در درس دینی بگیرد، اما در دینداری سرآمد افراد کلاس باشد یا نمره‌ای عالی بگیرد اما در رفتار دینی از دیگران عقب‌تر باشد.

برخی از دانش‌آموزان در مواجهه با چنین نمره‌گذاری‌ای، میان رابطه قلبی خود با نماز و این شیوه نمره‌گذاری تناقض می‌بینند و در می‌مانند که چگونه میان این دو جمع کنند. لذا یا ناچار می‌شوند از خواندن نماز در جمع خودداری کنند و یا از خواندن چنین نمازی سر باز زنند. این تناقض میان رفتار و قلب تنها ممکن است در درس دینی ظهور کند و درس‌های دیگر فارغ از این تناقض اند.

آسیب دیگر آزمون‌های متداول، به رابطه میان ابعاد دینداری برمی‌گردد. معرفت به معارف دینی و صراط مستقیم لازمه ایمان و عمل صالح است و به میزانی که این معرفت به شخص متعلم نشاط علمی و معرفتی ببخشد، ایمان وی را تکمیل و تقویت می‌نماید. اما اگر کسب این معرفت در شرایط نامطلوب و از سر بی‌میلی و بی‌رغبتی انجام پذیرد، نه تنها به تکمیل و تقویت ایمان نمی‌انجامد، بلکه به معرفتی ناپایدار و سست منجر می‌شود و ایمان دینی را هم ضعیف می‌کند. چرا که دانش‌آموز احساس می‌کند مثلاً درس خداشناسی را باید بدان منظور بخواند که نمره بیست بگیرد و معدلش افزایش پیدا کند. در واقع به طور ناخودآگاه احساس می‌کند که عامل بیرونی او را به سوی خداشناسی می‌کشاند، نه انگیزه‌ای درونی و همین نوعی بی‌میلی مخفی نسبت به درس در وی ایجاد می‌کند. این بی‌میلی و بی‌رغبتی سبب می‌شود که دانش‌آموزان درس دینی را بخوانند و نمره‌های مناسب بگیرند، اما کمتر به تحکیم پیوند قلبی برسند.

علاوه بر این چون آن پیوند قلبی میان فرد و آموخته‌ها برقرار نمی‌شود، خود این دانش‌ها نیز ناپایدار و زودگذر می‌گردند و عموم آموخته‌ها در ظرف مدت کوتاهی فراموش می‌شوند و دانش‌آموز احساس می‌کند که چیزی از آن آموخته‌ها در اختیار ندارد.

قبل از طرح ارزشیابی پیشنهادی، ذکر این نکته ضروری است که ارزشیابی منحصر به ارزشیابی از دانش‌آموز نمی‌شود و عناصر دیگر برنامه، مانند محتوای آموزشی و معلم را نیز دربرمی‌گیرد. هر برنامه درسی باید راهکار مؤثری برای ارزشیابی از این عناصر را پیشنهاد دهد. پیشنهاد‌های مربوط به این موضوع در پایان همین قسمت خواهد آمد.

۱-۶- حوزه‌های ارزشیابی: ارزشیابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل مختلف آن حضور دارد و معلم و دانش‌آموز به‌طور مرتب با آن مواجه هستند و به پویایی و ارتقای کیفی آموخته‌های دانش‌آموز می‌انجامد. ارزشیابی به اهداف یادگیری توجه دارد و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن اهداف نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند و چنان‌که مطرح شد، تعلیم و تربیت دینی سه هدف را دنبال می‌کند و می‌کوشد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند:

۱ شناختی عقلانی از مبانی و معارف و وظایف دینی

۲ ایمان به آن مبانی و معارف و وظایف

۳ عمل به وظایف و مسئولیت‌ها

این سه هدف، گرچه نوعی تقدم و تأخر دارند اما در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ایمان مطلوب و مقبول دینی ایمان مبتنی بر تفکر و اندیشه است و عمل صالح عملی است که منبعث بر ایمان دینی و انگیزه‌ای الهی باشد. از طرف دیگر، انجام هر عمل صالح به تقویت ایمان و تحکیم شناخت می‌انجامد. فعالیت‌های یادگیری که در برنامه درسی پیش‌بینی می‌شود و در صحنه آموزش جاری می‌گردد، برای تقویت یکی از این اهداف یا هر سه هدف است. در میان این سه هدف، فعالیت‌هایی که مربوط به هدف رفتاری و عمل صالح است، نمی‌تواند در دایره ارزشیابی قرار گیرد، علت عدم امکان آن قبلاً توضیح داده شد اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آنها دعوت شوند. این فعالیت‌ها و اعمال می‌تواند موضوع ارزشیابی از برنامه و عملکرد معلم واقع شود تا میزان تحقق برنامه و عملکرد معلم سنجیده شود و پیشنهادهای اصلاحی مشخص گردد. بنابراین، ارزشیابی از دانش‌آموز در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد:

الف) ارزشیابی از حوزه شناخت عقلی: یادگیری در حوزه شناختی و عقلی دارای سطوح مختلفی است که با تعمیق یادگیری تناسب دارد. یادگیری مؤثر نیز آن یادگیری‌ای است که از سطوح اولیه مهارت‌های تفکر بگذرد و سطوح بالاتر را دربرگیرد.

کارشناسان تعلیم و تربیت از تعداد سطوح متفاوتی سخن گفته‌اند که تعیین دقیق آنها در اینجا ضرورتی ندارد. آنچه اهمیت دارد، این است که یادگیری در این بخش به رشد تفکر عقلی منجر شود و توانایی تعقل را افزایش دهد. این سطوح می‌تواند شامل درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال، استنباط و بالاخره ارزشیابی باشد.

ارزشیابی در حوزه تفکر و تعقل باید به نحوی باشد که بتواند تعادلی میان این سطوح ایجاد کند. این تعادل به معنای دادن حق مساوی به هر یک از این سطوح نیست بلکه بدان معناست که متناسب با سنین رشد و موضوع خاص مطرح شده باشد و از سوی دیگر باید برخی از این سطوح، اولویت داده شوند و برخی از سطوح در مرتبه بعدی قرار گیرند. به طور مثال، خداشناسی، احکام نماز و روزه، صداقت و درستکاری سه موضوع دینی هستند که با سطوح متفاوتی از مهارت‌های تفکر درگیرند. تشخیص و انتخاب این سطوح در مراحل یادگیری و تعیین فعالیت‌های مناسب با هر یک و تمرکز ارزشیابی بر آنها بسیار حائز اهمیت است. براین مبنا، باید گفت که انواع مختلف ارزشیابی به میزانی که در یادگیری این مهارت‌ها مدد می‌رسانند، باید به کار گرفته شوند. برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی که به سطوح

مختلف آن مربوط می‌شوند، به شرح زیر است :

درک رابطه عنوان با مطلب، رابطه اجزای مطلب با هم و با کل مطلب، جمع‌آوری اطلاعات درباره یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره یک موضوع، بیان مشاهدات، مقایسه دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها، بیان داستان، نتیجه‌گیری از داستان و یک واقعه، اعلام نظر درباره عوامل داستان و واقعه، درک رابطه میان چند آیه پیرامون مفهوم واحد، پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تطبیق خود و محیط زندگی بر آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط، بیان خاطرات، ذکر تجربه‌ها، تحقیق پیرامون یک موضوع، بیان شباهت‌ها، ذکر تفاوت‌ها، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، بیان واجبات و محرمات آموخته شده، توانایی تطبیق با مصداق‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج یک عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

ب) *ارزشیابی از حوزه ایمان و احساس دینی*: با توجه به اینکه تفکر عقلی و تعمیق آن ایمان و احساس دینی را تقویت می‌کند، همه فعالیت‌های قبل به تناسب ارتباط آنها با سطوح بالاتر تفکر و تعقل در تقویت ایمان مؤثرند. علاوه بر این برخی از فعالیت‌ها نیز هست که رابطه بیشتری با تعلقات قلبی و عاطفی دارند که تشویق دانش‌آموز به این فعالیت‌ها، هم به تقویت بعد قلبی و عاطفی می‌انجامد و هم نشانگر پیوند قلبی و عاطفی اوست. برخی از این فعالیت‌های قابل سنجش در حوزه ایمان و احساس دینی عبارت‌اند از :

ابراز همدلی با شخصیت مثبت داستان، ابراز دوری از شخصیت منفی داستان، نوشتن یا بیان علائق درونی در قالب‌هایی مانند دعا و شعر و نامه، مشارکت در گفت‌وگوها، انجام منظم فعالیت‌های پیش‌بینی شده، خلق یک اثر هنری مانند نقاشی، کاردستی، طرح، نمایش، قطعه ادبی، شعر و مناجات، زیبایی و نظم دفتر کار، سبقت و پیش‌دستی در پذیرش فعالیت‌ها، موضع‌گیری و ابراز موضع مطلوب بعد از ذکر یک واقعه داستان ...

ج) *ارزشیابی از حوزه عمل*: ارزشیابی از حوزه عمل در بحث تعلیم و تربیت دینی، کاری ناممکن است. برای آنکه علت این مسئله روشن شود ذکر این مثال شایسته است که اگر کسی در درسی مانند ریاضی به مهارت حل مسئله برسد یا در درسی مانند الکترونیک بتواند دستگاه الکترونیکی بسازد، به هدف آن درس رسیده است و نمره‌ای ممتاز می‌گیرد. اما اگر کسی به مهارت خواندن صحیح نماز برسد، آیا هدف تعلیم و تربیت برآورده شده است؟ خیر، زیرا این مهارت، هدف اصلی آموزش نیست، بلکه انتظار آن است که خواندن نماز به عنوان یک رفتار از وی متجلی شود و عامل به این حکم باشد. حال اگر این مهارت تبدیل به رفتار شد، آیا می‌توان از چنین رفتاری ارزشیابی کرد و به صاحب این رفتار نمره‌ای عالی داد؟

خیر، زیرا این نمره، تأثیر منفی به دنبال دارد. اگر دانش‌آموزان یک کلاس بدانند که معلمشان به رفتارهای

مذهبی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن و راست گفتن نمره می‌دهد، عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان خواهند داد. برخی برای گرفتن نمره بیشتر، بدون گرایش قلبی، آن کار را انجام می‌دهند. برخی در عکس‌العمل به چنین نمره‌گذاری، میان رابطه قلبی خود با نماز و این نمره تناقض می‌بینند و درمی‌مانند که چگونه میان این دو جمع کنند. لذا ناچار می‌شوند از خواندن نماز در جمع خودداری کنند و یا از خواندن چنین نمازی سر باز زنند.

۶-۲- انواع ارزشیابی در تعلیم و تربیت دینی

الف) ارزشیابی مستمر: با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان گردید، ارزشیابی مناسب با این درس، ارزشیابی مستمر می‌باشد. ارزشیابی مستمر یا تدریجی و تکوینی^۱ به معنای ارزشیابی براساس آزمون‌های پایانی ولی در مقیاس کوچک‌تر و با تعداد بیشتر نیست.

خصلت عمده این ارزشیابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های سنتی دارد تا تصویر کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزشیابی در جهت رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه اینکه از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزشیابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا براساس آن اطلاعات بتواند مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامه خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزشیابی با فرایند آموزش درهم تنیده، جاری و مستمر است. از نتایج به دست آمده، برای مقایسه یا نمره دادن به دانش‌آموزان استفاده نمی‌شود بلکه تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را می‌پذیرد و به قابلیت رشد هر یک اعتقاد دارد. در فرایند چنین ارزشیابی، دانش‌آموزان نقش اساسی دارند چون آنان هستند که در مرکز یادگیری قرار دارند و نقش اصلی را در پرورش یا اصلاح یک آموخته ایفا می‌کنند. هرچه دانش‌آموزان بیشتر در فرایند آموزش سهیم شوند، بهتر و بیشتر می‌توانند آموخته‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش دهند یا بهبود بخشند. به عبارتی، شیوه آموختن را بهتر یاد می‌گیرند.

این نوع ارزشیابی می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود و براساس اطلاعاتی که از طرق مختلف جمع‌آوری می‌شود، مانند مشاهده رفتار و عملکرد دانش‌آموز در هنگام فعالیت‌های کلاسی یا ارائه گزارش یا پاسخ به پرسش‌های کتبی یا شفاهی مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد اما همواره به خاطر داشته باشیم آنچه که ارزشیابی را مستمر، رشددهنده و پویا می‌کند، شیوه استفاده از نتایج ارزشیابی است. ارزشیابی مستمر دارای ویژگی‌های زیر است:

■ این ارزشیابی جزئی از فرایند آموزش است.

■ به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.

۱- از ابتدای بحث از ارزشیابی مستمر تا این قسمت، از کتاب «ارزشیابی در خدمت آموزش، طاهره رستگار» گرفته شده است.

■ در تمام موضوعات درسی قابل اجرا است.

■ دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.

■ معلم را قادر می‌سازد تا به طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.

■ معلم را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علائق دانش‌آموزان را شناسایی کند و سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آنها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.

■ معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزشیابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزشیابی معتبر دانش‌آموز جمع‌آوری کند.

■ ارزشیابی مستمر، دانش‌آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آنها یکسان نیست اما نباید تصور شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها قضاوت نهایی را خود انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

■ با توجه به آنچه درباره ارزشیابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش به عوامل اساسی زیر وابسته است:

■ بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان

■ درگیرکردن مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری

■ استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس

■ درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوه سنجش و ارزشیابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دارد.

■ توانا کردن دانش‌آموزان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.^۱

بنابراین، ارزشیابی مستمر بهترین ارزشیابی در این درس است که در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر به‌عنوان تنها نوع ارزشیابی باید به کار گرفته شود و در دوره‌های بالاتر باید در اولویت مطلق باشد و سهم اساسی نمره بدان تعلق گیرد.

ب) / ارزشیابی پایانی: این ارزشیابی که به ارزشیابی مجموعی یا تراکمی نیز مشهور است، در پایان هر دوره آموزشی انجام می‌شود و معلم با استفاده از آن، آموخته‌های دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند. این ارزشیابی معمولاً با هدف نمره دادن، تصمیم برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد.

گاهی نیز ارزشیابی پایانی به معیاری برای ارزیابی کار معلم تبدیل می‌شود. این امر باعث می‌گردد تا

معلمان عمدتاً به آزمون‌های پایانی بیش از حد توجه کنند و نسبت به نتایج آن حساس باشند و این حساسیت را به دانش‌آموزان نیز منتقل نمایند. در نتیجه، مجموعه فعالیت‌های معلم و دانش‌آموزان تحت تأثیر این آزمون قرار گیرد و نقش ارزشیابی مستمر بسیار کم‌رنگ شود.

این امر باعث شده است تا معمولاً معلمان به جای آنکه آنچه را آموزش می‌دهند، ارزیابی کنند، آن چیزی را که قرار است ارزشیابی کنند، آموزش می‌دهند؛ یعنی، آموزش در خدمت ارزشیابی قرار می‌گیرد.

تفاوت دیگری که این ارزشیابی با ارزشیابی مستمر دارد، محدودیت آن است که نمی‌تواند انواع فعالیت‌های آموزشی را تحت پوشش قرار دهد؛ لذا فرصت توسعه مهارت‌های مختلف یادگیری در قلمروهای آموزشی را از دانش‌آموز سلب می‌کند. هم‌اکنون ارزشیابی پایانی معمولاً به شکل آزمون کتبی انجام می‌گیرد و بیشتر بر اهداف شناختی، آن هم سطوح اولیه شناخت، متمرکز می‌شود. حتی اگر طراح سؤال‌های پایانی بتواند سؤال‌هایی طراحی کند که سطوح برتر مهارت‌های شناختی، مانند توانایی استدلال، مقایسه، تطبیق و قضاوت را دربرگیرد، به علت محدود بودن این گونه سؤال‌ها به تدریج موقعیتی پیش می‌آید که دانش‌آموزان پاسخ این گونه سؤال‌ها را حفظ می‌کنند و کارایی این گونه سؤال‌ها را از بین می‌برند. علاوه بر این، از آنجا که دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری خود را با نوع آزمون هماهنگ می‌کنند، وقتی که این گونه ارزشیابی‌ها اهمیت بیشتر پیدا می‌کند، آنان می‌کوشند که فعالیت‌های داخل کلاس را به سمت آمادگی برای آن آزمون سوق دهند و حتی اگر معلمی بخواهد فعالیت‌های دیگری را در دستور کار قرار دهد، آنان با نشان دادن عدم علاقه خود مانع آن فعالیت‌ها می‌شوند و عملاً معلم را به سمت تدریسی می‌کشانند که با آزمون پایانی تناسب دارد؛ لذا، چون هدف اصلی تعلیم و تربیت دینی، تقویت ایمان و انگیزه برای عمل است، توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی بسیار مضر و زیان‌آور است و مانع توجه دانش‌آموزان به فعالیت‌های مستمر می‌گردد که تقویت ایمان و تعمیق شناخت عقلی را به دنبال دارند.

آفت بزرگ دیگری که از ناحیه توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی، گریبان‌گیر تعلیم و تربیت دینی می‌شود، تغییر مکان «وسيله» با «هدف» است. امری که کمتر در آزمون مستمر و تکوینی اتفاق می‌افتد. این اتفاق که بیشتر در نگاه دانش‌آموزان دوره متوسطه به درس دینی پدیدار می‌شود، از آنجا سرچشمه می‌گیرد که آنها ارزشیابی پایانی را نه وسیله‌ای برای سنجش میزان تحقق اهداف یادگیری بلکه وسیله‌ای برای ارتقای تحصیلی، بالا رفتن معدل و نظایر آن تلقی می‌کنند؛ لذا به‌طور ناخودآگاه، از آن جهت درس دینی را می‌خوانند و محتوای کتاب را حفظ می‌کنند که بتوانند آن آزمون را با موفقیت طی کنند و نمره مناسبی برای ارتقای تحصیلی به‌دست آورند، ممکن است دانش‌آموزان خودشان به این امر واقف نباشند و در پاسخ این سؤال که «چرا در آزمون شرکت می‌کنید؟» بگویند می‌خواهیم میزان یادگیری خود را تعیین کنیم اما شیوه درس خواندن آنان، توجه به جملات خاصی از کتاب و مرور چندباره متن و حفظ کردن عبارات گواه آن است که او دارد خود را در خدمت آزمون قرار می‌دهد نه آزمون را در خدمت خود.

این فرایند، گرچه بر همه درس‌های دیگر آسیب وارد می‌کند اما آسیب عمیق و جبران‌ناپذیرتر آن در تعلیم و تربیت دینی است به میزانی که انگیزه کسب نمره پایانی، قوی‌تر شود، رابطه واقعی او با محتوای درس کاهش می‌یابد و به رابطه‌ای خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت او به درس کم می‌شود و در نتیجه تأثیرات قلبی و رفتاری درس به حداقل خود می‌رسد. این آسیب در ارزشیابی مستمر کمتر ظهور می‌کند زیرا ارزشیابی مستمر در خدمت ارتقای یادگیری است و در همه مهارت‌های آموزشی کاربرد دارد نه صرفاً در مهارت حفظ اطلاعات و آموخته‌ها.

۷- روش‌ها و فنون یاددهی - یادگیری

(روش‌های تعلیمی و تربیتی)

هدایت اسلامی، هدایتی برای رشد و تعالی همه ابعاد وجودی و گرایش‌های فطری است و در شخصیت یکپارچه آدمی تحقق می‌یابد. تنوع موضوعات دینی که شامل موضوعات اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، رفتار و آداب، سلوک عبادی و برنامه‌های اجتماعی است، از یک طرف و ساحت‌های وجودی انسان از طرف دیگر، تنوعی در روش‌ها ایجاد می‌کند که در آموزش‌های دیگر کمتر می‌توان سراغ آن را گرفت. نگاهی مختصر به قرآن کریم، این تنوع در شیوه را به ما نشان می‌دهد. به کارگیری صحیح یک روش وقتی ممکن است که درک و توازنی درست میان موضوع و ساحتی از وجود انسان که بیشتر با آن موضوع درگیر است، پدید آید. به همین جهت، انتخاب روش مناسب نیازمند شناخت دقیق موضوع و مخاطب است. اما از آنجا که هدف تعلیم و تربیت «رشد» انسان است و رشد او جز از طریق تلاش و کوشش خود او میسر نیست، رویکرد جهت‌دهنده به همه روش‌ها، رویکرد فعال است. در این رویکرد، مخاطب با مجموعه توانایی‌ها، استعدادها و گرایش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصی خود حضور دارد و از همه آنها در جهت کمال خود بهره می‌برد.

انتخاب این رویکرد تعلیمی و تربیتی با رویکرد انتخاب شده در درس یعنی رویکرد فطرت‌گرا، هماهنگ و متناسب است. البته انتخاب رویکرد فعال به معنی فروگاهی نقش معلم و تبدیل وی از هدایتگر و راهنما به ازاری در کنار سایر ابزارها نیست زیرا در هدایت و تربیت، نقش الگویی معلم و تأثیرات انسانی و عاطفی وی بر یادگیرنده به مراتب عمیق‌تر از درس‌های دیگر است؛ بنابراین، فعال شدن دانش‌آموز به معنی کم‌شدن نقش معلم نیست بلکه این روش رسالت و مسئولیت وی را بیشتر می‌کند و نقش هدایتگری او را جدی‌تر می‌سازد.

با عنایت به مراتب فوق و با بهره‌مندی از قرآن کریم و سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام و نیز تجربیات مراکز آموزشی، روش‌ها، مهارت‌ها و فنون متنوعی برای این درس پیشنهاد می‌شود. این روش‌ها می‌توانند در موضوعات مختلف و در تلفیق با یکدیگر به کار گرفته شوند به طور مثال، کسی که در یک بحث اخلاقی، می‌خواهد از موعظه استفاده کند، در موعظه خود می‌تواند از پرسش و پاسخ، استدلال و یا داستان کمک

بگیرد. در عین حال، این پیشنهادها معلم را برای به کارگیری این روش‌ها در موضوعات مختلف محدود نمی‌کند، بلکه دبیر می‌تواند با استفاده از تجربه‌های خود روش‌هایی را ابداع کند و از آنها در کلاس بهره‌برد. برخی از این روش‌ها، مهارت‌ها و فنون عبارت‌اند از:

۱ همیاری و مشارکت: این روش دامنه گسترده‌ای دارد و در بیشتر موضوعات دینی، به خصوص در مباحث اجتماعی قابل اجراست. اما این روش در مواردی که می‌خواهیم فرد به تأمل درونی دعوت شود، مثلاً محاسبه نفس کند یا رابطه معنوی با خدا برقرار کند، کاربرد کمتری دارد.

۲ پرسش و پاسخ: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کارایی بیشتری دارد. این روش می‌تواند میان دو دانش‌آموز یا معلم و دانش‌آموز اتفاق بیفتد.

۳ قصه‌گویی و داستان: این روش برای بیان سیره بزرگان می‌تواند استفاده شود. همچنین برای آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی مؤثر است. داستان می‌تواند وسیله شروع فعالیت‌ها و تمرین‌های مختلف دانش‌آموزان قرار گیرد.

۴ ایجاد فرصت تأمل با خود: گاهی یک سؤال، یک بیت شعر، یک تصویر و اموری از این قبیل آدمی را به خود برمی‌گرداند و در تأمل فرو می‌برد. در این گونه تأمل‌هاست که تصمیم‌های مهم و مؤثر گرفته می‌شود و قدم‌های روبه‌جلو برداشته می‌شود. معلم باید بتواند در لحظه‌های ناب و در فرصت‌های مناسب، زمینه‌های تأمل را فراهم کند.

۵ ایجاد فرصت عمل به دین: در این روش، معلم به‌طور عملی شرایطی را فراهم می‌کند که دانش‌آموز لذت عمل دینی را تجربه کند و از این طریق، پیوند قلبی وی با آن عمل تقویت شود. مشارکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، همکاری و همیاری در رفع نیازهای دیگران و هر اقدام خیر دیگری که لذت از کار خیر را به‌طور واقع به دانش‌آموز می‌چشاند و گرایش او به کار خیر را افزایش دهد.

۶ استفاده از استدلال‌های منطقی: با توجه به عقلانی بودن مبانی دینی و ضرورت پذیرش عقلانی این آموزه‌ها، لازم است محتوای آموزشی، مبتنی بر استدلال‌های محکم و استوار باشد و دبیران محترم با بهره‌گرفتن از استدلال‌ها قدرت عقلانی دانش‌آموزان را تقویت نمایند و به معرفت دینی آنان اعتلا بخشند.

۷ انذار و تبشیر: این روش که در قرآن کریم بسیار به کار رفته، یادآوری ثمرات عمل خیر و نتایج کارهای بد است. با تبشیر، امید انسان نسبت به آینده زیبا در سایه کار خوب افزایش می‌یابد و با انذار، بیمی نسبت به آینده متفاوت و آینده ناشی از کار بد شکل می‌گیرد.

۸ تذکر: در قرآن کریم بر این روش تأکید شده و خداوند، رسول خود را بدان دعوت می‌کند. یکی از نام‌های قرآن کریم هم «ذکر» است. تذکر، مبتنی بر انسان‌شناسی دینی و گرایش‌های فطری و پذیرش اصول اخلاقی ثابت می‌باشد. تذکر، به معنای یادآوری آن اصول و تعمیق خودآگاهی نسبت به آن گرایش‌ها است.

۹ سخنرانی: این روش بیشتر در تبیین اصول اعتقادی کاربرد دارد که باید یک موضوع، به نحو منسجم طرح و توضیح داده شود. البته انتخاب سخنرانی، به معنای استفاده از روش غیرفعال نیست. سخنرانی می‌تواند در رویکردی فعال عرضه شود به گونه‌ای که دانش‌آموزان برخوردی فعال با سخنرانی داشته باشند و براساس سخنرانی فعالیت‌های تعریف شده را انجام دهند.

۱۰ موعظه: توجه موعظه، بیشتر به نفس لوازمه و بیدارگری وجدان و برای ایجاد انگیزه نسبت به اخلاق حسنه و کار خیر و نفرت و دوری از رذایل اخلاقی و کار بد است. این شیوه، بیشتر زبان نصیحت‌گرانه دارد و از ابزارهای مختلفی بهره می‌برد.

۱۱ ارائه الگو و اسوه: در این روش، از شخصیت‌گویی انسان‌های مرجع و مورد قبول استفاده می‌شود. رسول خدا ﷺ و معصومین بزرگوار دیگر بهترین اسوه‌هایی هستند که هم برترین معیار انسان دین‌دار هستند و هم مقبولیت آنان نزد نوجوان و جوان بسیار بالاست. اسوه‌های دیگر نیز به نسبت نزدیکی و قریشان با این معصومین باید به جوانان شناخته شوند، همچنین باید از اسوه‌های مورداعتماد در عصر حاضر و نزدیک به زمان نوجوان امروزی بیشتر یاد گردد. در این میان اسوه بودن معلم و مربی که اسوه حاضر و عینی است، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو دبیران این درس باید در حد قابل قبولی معیارهای اخلاقی و رفتاری و توانایی‌های علمی و مهارتی را داشته باشند.

۱۲ تشویق و تنبیه: این روش، با انذار و تیشیر متفاوت است. در روش انذار و تیشیر، تأکید بر آثار و نتایج خود عمل است، اما روش تشویق و تنبیه، متکی بر تشویق‌ها یا تنبیه‌های جانبی است که می‌تواند با خود عمل رابطه مستقیم نداشته باشد بلکه معلم برای ایجاد انگیزه ثانوی، از برخی تشویق‌ها و تنبیه‌ها کمک می‌گیرد و دانش‌آموز به نسبت آن تشویق و یا تنبیه کاری را انجام می‌دهد یا از عملی دوری می‌کند. این روش در سنین پایین، مانند دوره ابتدایی و قبل از آن در موضوعات اخلاقی و برخی رفتارها مؤثر است اما به هیچ‌وجه نباید تبدیل به یک رویه شود که در آن صورت، دانش‌آموز همواره کارهای خوب را نه به خاطر خوب بودنشان بلکه به نیت تشویق انجام خواهد داد و خوبی آن عمل در قلب وی تثبیت نخواهد شد.

۱۳ نمایش و ایفای نقش: اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان، هم بر مجریان نمایش تأثیر می‌گذارد و هم تماشاگر را به گونه‌ای زنده با داستان نمایش مواجه می‌کند. از این رو، به او حضوری فعال می‌دهد به خصوص که اگر با روش‌های فعال دیگر توأم شود و پس از اجرا، محتوای نمایش مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱۴ انجام تحقیق، مطالعه و فعالیت‌های پروژه‌ای: این روش که در همه موضوعات دینی کاربرد دارد، در صورتی که همراه با مهارت‌های صحیح تحقیق و مطالعه باشد، به دانش‌آموز کمک می‌کند که به عادت پسندیده تفکر و خردورزی دست یابد و بدین وسیله بتواند دایره دانش خود را از محدوده کتاب‌های درسی فراتر ببرد. این

روش، قدرت تجزیه و تحلیل و تفکر و استنباط را افزایش می‌دهد و به آموخته‌ها عمق می‌بخشد.

۱۵ کنفرانس دانش‌آموزی: این روش، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و عمق دانش کنفرانس‌دهنده را بیشتر می‌کند. کنفرانس باید حول یک موضوع باشد. کنفرانس‌دهنده بهتر است از میان یک گروه برگزیده شود تا رقابت گروهی ایجاد گردد بدین معنا که گروه از او پشتیبانی کند و سایر گروه‌ها به نقد پردازند.

۱۶ مشاهده و تحلیل مشاهدات: این روش، بیشتر در مهارت‌هایی مانند وضو گرفتن، نماز، تیمم و مانند آن و نیز در رفتارها و اعمال کاربرد دارد. افراد با دیدن یک مهارت یا یک رفتار اخلاقی، آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، نقاط قوت یا ضعف عمل را مشخص می‌کنند و به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بینند.

۱۷ خلق موقعیت برای داوری: در این روش با کمک روش‌های دیگر، مانند نمایش، نقل خاطره، فیلم و مانند آن به دانش‌آموز فرصت داوری و قضاوت داده می‌شود تا درباره حادثه و عناصر آن اظهار نظر کند. این روش، بیشتر در موضوعات اخلاقی و رفتار اجتماعی کاربرد دارد.

۱۸ مناظره (بحث و گفت‌وگو): این روش، با پرسش و پاسخ متفاوت است. مناظره، معمولاً میان دانش‌آموزان انجام می‌گیرد و بیش از دو نفر در آن شرکت دارند و افراد در نقش رقیب ظاهر می‌شوند. این روش در موضوعات اعتقادی و مسائل اجتماعی کاربرد بیشتری دارد.

۱۹ بدیعه‌پردازی: همان‌طور که از نام این روش آشکار است روشی است که در آن خلاقیت و ابداع وجود دارد و مبدع آن ویلیام گوردون است که جهت ایجاد خلاقیت از تشبیه چیزی به چیزی استفاده می‌شود و با استفاده از این تشبیه خلاقیت در افراد به‌وجود می‌آید. مثلاً اگر خورشید مثل یک توپ بود و... اگر گل‌ها مثل آدم‌ها حرف می‌زدند و... اگر شیرها به جای دویدن مانند عقاب پرواز می‌کردند و... در این روش دو راهبرد وجود دارد یعنی مطالبی که به فراگیر آموزش داده می‌شود یا مأنوس است یا نامأنوس، که در صورت مأنوس بودن و معنادار بودن آن را به چیزی نامأنوس تشبیه می‌کنیم و در راهبرد دوم عکس این عمل می‌کنیم. از این روش در اغلب دروس می‌توان استفاده کرده و با تلفیق با دیگر روش‌ها می‌توان نتیجه مطلوب‌تری به‌دست آورد.

۲۰ بارش فکری: در این روش با طراحی یک موضوع یا طرح یک مسئله که سعی می‌شود موضوع بکر و نویی باشد تلاش می‌شود تا فراگیران به پاسخ‌فراخوانده شده و هر کس به تناسب اندیشه خود در ارتباط با موضوع اظهار نظر نماید. نکاتی در این روش باید رعایت شود که بسیار مهم است از جمله اینکه در این روش کمیت یعنی تعداد ایده‌ها و پاسخ‌ها برای یک جواب بسیار مهم است در هر مرحله بعد از این پاسخ‌ها آنهایی را که مناسب‌ترند انتخاب و با یکدیگر تلفیق می‌کنیم تا جواب و پاسخ مناسب‌تری برای موضوع یا مسئله مورد نظر بیابیم. در این روش باید توجه شود که هرگونه پاسخی مورد نظر است و از انتقاد و سرزنش جداً باید پرهیز شود. چه بسا پاسخی که در ابتدا بیهوده به نظر می‌رسد با تلفیق دیگر پاسخ‌ها نتایج خوبی را عاید کند.

۲۱ گردش علمی: در این روش سعی می‌شود تا هدف آموزشی مورد نظر از طریق مشاهده عینی و یا لمس آن از نزدیک مورد توجه فراگیران قرار گیرد؛ لذا اهداف و کارهایی را که دانش‌آموز در طول گردش علمی لازم است به آنها توجه نماید از قبل به آنها یادآوری می‌شود. به همین دلیل برای تدریس چنین مفاهیمی لازم است فراگیران را به محیط طبیعی (جنگل، کوه، دریا، رودخانه، بیابان و...) یا موزه و نمایشگاه‌ها برده یا اینکه یک رخداد و حادثه را از نزدیک مشاهده نمایند.

نتایج مشاهدات فراگیران می‌تواند به صورت تهیه گزارش، تصویربرداری و نت برداری و... در محل مربوطه صورت گیرد و یا اینکه در همان محل به بحث و گفتگو درباره موضوع مورد نظر پرداخته شود و یا اینکه مفاهیم و مطالب به دست آمده مقدمه‌ای برای بحث و گفتگو در جلسه بعدی کلاس درس باشد که گزارش این مشاهدات می‌تواند در ارزشیابی ملاک عمل قرار گیرد.

توجه: با توجه به اینکه روش تدریس، امری تجربی است و روز به روز توسعه می‌یابد، ذکر این روش‌ها به معنی محدود کردن دبیر نیست و در صورتی که دبیر با روش‌های دیگری آشناست و در آنها مهارت دارد، در صورتی که آن روش‌ها با اصول این برنامه منافاتی نداشته باشد، می‌تواند از آنها استفاده کند.

۸- استفاده از بسته آموزشی

برای این کتاب نرم‌افزاری با عنوان «بر فراز آسمان» تهیه شده است که در بردارنده تحلیل محتوای تمامی دروس توسط مؤلفان، فیلم‌های کمک آموزشی، تصاویر مرتبط با هر درس، متون کمک آموزشی و فیلم روش تدریس برخی از دروس است. این نرم‌افزار می‌تواند در کنار کتاب راهنمای معلم، کمک شایانی به دبیران جهت آموزش این کتاب با استفاده از روش‌های نوین آموزشی بکند.



فصل دوم

یاددهی - یادگیری هر درس

تو را چگونه بشناسم؟

هدف کلی

آشنایی با صفات خداوند

اهداف جزئی

- آگاهی از دو راه شناخت صفات الهی: تفکر در کتاب آسمانی و تفکر در جهان آفرینش
- تبیین معنای حمد و تسبیح

ضرورت درس

دانش‌آموزان از دوره ابتدایی تا کنون با صفات بسیاری از خداوند در کتاب‌های هدیه‌های آسمان و پیام‌های آسمان آشنا شده‌اند. با این حال هنوز صفات بسیاری از خدا هست که به دلیل محدودیت کتاب درسی برای دانش‌آموز بیان نشده و نیاز است تا دانش‌آموزان برای شناخت بهتر خداوند با این صفات آشنا شوند. برای همین لازم است تا دانش‌آموز خود راه دستیابی به این صفات را فراگیرد. این درس با هدف معرفی راه‌های شناخت صفات الهی به دانش‌آموز تألیف شده است.

محورهای اصلی درس

- ۱ دغدغه همیشگی انسان برای شناخت خالق خویش و محدودیت‌های انسان در این شناخت
- ۲ قرآن کریم و جهان آفرینش؛ دو منبع برای پی بردن به صفات الهی
- ۳ آشنایی با برخی از آیات قرآن در توصیف خداوند
- ۴ زیبایی‌ها و شگفتی‌های خلقت، آیه و نشانه‌ای بر صفات خدا
- ۵ جامع صفات کمالی بودن خداوند و مبرا بودن وی از هر صفت نقص و عیب

۶ ستایش خداوند با صفات کمالی اش در هنگام حمد و منزه دانستن وی از هر عیب و نقص در هنگام

تسبیح.

این درس به این پرسش ها، پاسخ می دهد

- ۱ آیا انسان می تواند به شناخت کاملی از خدا برسد؟
- ۲ از چه راه هایی می توان به شناخت خدا و صفات او رسید؟
- ۳ قرآن چه توصیفی از خداوند، ارائه می دهد؟
- ۴ چگونه می توان با تأمل در جهان خلقت، بی به صفات خداوند برد؟
- ۵ چه صفاتی را می توان به خدا نسبت داد و چه صفاتی را نمی توان؟
- ۶ حمد و ستایش خداوند به چه معناست؟
- ۷ معنای تسبیح و تنزیه خداوند چیست؟

روش تدریس

تذکر : روش های تدریسی که در این کتاب ارائه می شود، پیشنهادی بوده و هر یک از همکاران می توانند با تکیه بر توانایی های خود، روش های دیگری را جایگزین کنند.

شیوه تدریس «ورودیه» : شعر سنایی یکی از بهترین ورودیه ها برای موضوع صفات خداست. بهتر است که برای تأثیرگذاری بیشتر، این شعر به یکی از شیوه های زیر خوانده شود :

- اجرای سرود به صورت گروهی توسط برخی از دانش آموزان یا همه آنها
 - خواندن شعر توسط یکی از دانش آموزان خوش صدا و یا خود دبیر
 - پخش این شعر با صدای حسام الدین سراج (فایل مربوطه در نرم افزار بر فراز آسمان موجود است).
- شیوه تدریس «تفکر در کتاب آسمانی»

با توجه به اینکه این درس در اولین جلسه سال تحصیلی تدریس می شود و دبیران شناختی از دانش آموزان ندارند، می توان از تک تک دانش آموزان خواست که هر یک خود را در یک دقیقه معرفی کنند، مثلاً خصوصیات و ویژگی های خود را بیان کنند و یا به صورت داوطلب برخی از ویژگی های اخلاقی خود را بگویند. سپس به دانش آموزان می گوئیم من شناختی از شما نداشتم اما اکنون با ویژگی هایی که از خودتان گفتید شناخت بهتری نسبت به شما و شخصیتتان پیدا کردم؛ هر انسانی خودش را خیلی بهتر از دیگران می تواند توصیف کند. سپس از دانش آموزان می پرسیم، به نظر شما بهترین و دقیق ترین راه برای معرفی خدا و شناخت نسبت به او چه راهی است؟ بله، برای شناخت خدا نیز یکی از بهترین راه ها این است که ببینیم

خداوند خودش را چگونه به ما معرفی کرده است؛ بدین منظور به قرآن یعنی سخن خود خداوند مراجعه می‌کنیم؛ خداوند در آیات متعددی به معرفی خود پرداخته است.

برای اینکه دانش آموز با آیات مطرح شده ارتباط بیشتری برقرار کند، صفات خدا را بر اساس آیات قرآن که در درس آمده طبق جدول زیر روی تابلو می‌نویسیم، سپس از دانش آموزان می‌خواهیم که شماره هر آیه را در مقابل صفت خدا که در جدول مقابل نوشته شده، بیان کنند و یکی از دانش آموزان یا معلم در جدول بنویسد. سپس از دانش آموزان بپرامون معنا و مفهوم هریک از آیات پرسش می‌کنیم تا از میزان و صحت درک آنان از این صفات اطلاع یابیم و اگر پرسش یا ابهامی داشتند یا تصور نادرستی از صفات مذکور داشتند توضیحات لازم را ارائه می‌دهیم.

شکرگزار کارهای خوب بندگان	۱- اِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ مَا يَخْفٰى
توبه پذیر	۲- وَ هُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ
دوستدار بندگان	۳- وَ مَنْ يَشَاقِ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ
مجازات کننده	۴- اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَابِيْنَ
عالم و آگاه	۵- اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلَمُ النَّاسَ شَيْئًا و لٰكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ
ظلم نکردن	۶- وَ كَانَ اللّٰهُ شَاكِرًا عَلِيْمًا

روش تدریس بخش «تفکر در کتاب خلقت»:

۱ در این بخش می‌توان از این تمثیل برای دانش آموز استفاده کرد:

فرض کنید که شما چندساعتی به بیرون از منزل رفته‌اید و بعد که برمی‌گردید می‌بینید که در خانه تغییراتی رخ داده است. ظرف غذا و یک لیوان آب روی میز است. تلویزیون روشن است، کتابی روی میز است و... شما خیلی راحت تشخیص می‌دهید که در این ساعاتی که نبودید موجود متحرکی اینجا بوده است. این موجود غذا و آب می‌خورد و چون از بشقاب و لیوان استفاده کرده است، پس دارای شعور و آگاهی به آداب و عرف است. تلویزیون هم توانسته است روشن کند پس موجودی دارای هوش است، کتاب هم خوانده است پس باسواد است و... شما اگرچه هیچ وقت او را ندیدید ولی توانستید از علامت‌ها، متناسب با درک خود به برخی از صفات این موجود پی ببرید.

در مورد خدا هم می‌شود همین نکته را گفت:

اگرچه ما او را نمی‌بینیم (البته با چشم ظاهر) ولی برای ما یک سری علائم و شواهد در این جهان قرار داده است، علائمی که از طریق آن می‌توانیم به برخی از صفات خداوند همچون آگاهی، یگانگی، زیبادوستی، حکمت و... پی ببریم.

علاوه بر اینها برای ما یادداشت هم گذاشته است (قرآن) و در آن به معرفی دقیق خود پرداخته است. پس از طریق مخلوقات می توان بی به صفات خدا برد چرا که همه موجودات نشانه های خدا هستند؛ به قول بابا طاهر :

«به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم»

۲ برای نشان دادن بخشی از شگفتی های خلقت می توان از کتاب های علوم و یا جغرافیای دانش آموزان نیز استفاده کرد و از مطالبی که در این کتاب ها وجود دارد و دانش آموز با آن آشناست در کلاس استفاده کرد.

تحلیل اجزای درس

در تدریس اجزای این درس، باید به موارد زیر توجه شود :

■ ورودیه (شعر) : این درس با شعری زیبا از حکیم سنایی (۵۴۵-۴۷۳ هـ. ق) آغاز می شود (البته سه بیت پایانی این شعر به دلیل سخت بودن درک آن توسط دانش آموز، حذف شده است). در ابیات آغازین این شعر برخی از صفات خداوند به زیبایی توصیف شده و در قسمت بعد برخی صفات که نشان از نقص است از خداوند سلب شده است. این شعر به خوبی زمینه را برای ورود به بحث صفات خداوند آماده می کند.

■ فعالیت کلاسی : پس از خواندن شعر، دانش آموزان در گروه های خود روی متن آن، تأمل می کنند و صفاتی را که می توان به خدا نسبت داد، استخراج می کنند؛ مثلاً در بیت اول آمده که خداوند مَلِک، پاک و خداست و نیز آمده که او راهنما (هادی) است. با توجه به بیت دوم درمی یابیم که خداوند دارای فضل است و یکتاست و ...

در قسمت دوم این فعالیت، این سؤال پرسیده شده که خداوند چه صفات دیگری دارد که در شعر به آنها اشاره نشده است. دانش آموزان در پاسخ می توانند به صفاتی همچون غفور، ستار، ناظم، تواب و ... اشاره کنند.

■ راه های شناخت صفات خداوند : این بخش، سه هدف مهم را دنبال می کند :

اول آنکه، در قالب پرسش هایی، این سؤال را برای دانش آموز ایجاد کند که به راستی خالق او، چگونه خالقی است؟ چه صفاتی دارد؟ و چگونه می توان بی به صفات او برد؟

متأسفانه نوجوان و جوان امروزی به دلیل گسترش ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، به شدت سرگرم و مشغول مسائل کم اهمیت شده است و از اندیشیدن به مسائل سرنوشت ساز و حیاتی، بازمانده است. از این رو، در ابتدای این درس، سعی شده است تا در قالب طرح پرسش هایی، او را در خصوص برخی از سوالات مهم زندگی به فکر واداریم.

دومین هدف که در پاراگراف دوم به آن توجه شده است این است که در راه شناخت خداوند، حتماً باید به سراغ منابع معتبر رفت تا به اطلاعات دقیق و صحیحی دست یابیم. ذکر این نکته از آن جهت است که متأسفانه امروزه فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی با ادعای حرکت در مسیر شناخت خدا، درصدد جذب جوانان هستند و با نوشته‌ها و کتاب‌ها و برگزاری جلسات و حلقه‌های گوناگون، افکار ناصواب و دور از تعالیم قرآن و اهل بیت را به مخاطبان خود ارائه می‌کنند. از این رو، در این قسمت بر این نکته تأکید شده که هر منبعی نمی‌تواند در جهت شناخت خدا، مورد استفاده قرار گیرد، بلکه باید برآمده از وحی باشد.

هدف سوم این بخش نیز توجه دادن به محدود بودن توانایی ما در درک و شناخت خداوند است. در پاراگراف سوم گفته شده که انسان موجودی محدود است و خداوند نامحدود، و از این رو ممکن نیست که انسان محدود، قادر به درک کامل امری نامحدود باشد، چرا که ظرف فکر و اندیشه او گنجایش درک نامحدود را ندارد. این تذکر دانش‌آموز را به این نکته توجه می‌دهد که اگر چه ما موظف به شناخت خالق خویش هستیم اما باید ضعف‌ها و کاستی‌های خود را در این راه بشناسیم و بدانیم که هر چقدر در مسیر شناخت او پیش برویم، و هر اندازه شناخت خود را نسبت به خداوند بیشتر و بیشتر کنیم، باز هم قادر به درک کامل خداوند نخواهیم بود. در اینجا می‌توان ذهن انسان را به لیوانی تشبیه کرد که می‌خواهد دریایی بی‌کران را در درون خود جای دهد که قطعاً امری ناشدنی است.

■ تفکر در کتاب آسمانی: این قسمت به معرفی اولین راه شناخت صفات الهی می‌پردازد تا دانش‌آموز بداند که با مراجعه به کتاب الهی می‌تواند توصیف خدا را از زبان خود خداوند بشنود. چرا که بهترین راه شناخت صفات خداوند این است که ببینیم خود او چگونه به معرفی خویش پرداخته است. خداوند در معرفی خویش در قرآن کریم به گونه‌ای عمل می‌کند که انسان، هم نسبت به صفات خالق خویش، معرفت پیدا کند و هم قلب و جان وی متأثر از این معرفت گردد.

به‌طور مثال، خداوند در توصیف علم مطلق خویش، تنها به ذکر این نکته که خداوند به همه چیز علم دارد، اکتفا نمی‌کند بلکه علم بی‌حد و حصر خود را به گونه‌ای توصیف می‌کند که مخاطب با تمام وجود احساس می‌کند هیچ کجا از دید خدا پنهان نیست؛ اینکه خدا حتی از صدای پچ‌پچ ما نیز باخبر است و از فرو افتادن برگ درختی در دورافتاده‌ترین نقاط جهان، آگاه است، این احساس را در دل انسان تقویت می‌کند که هیچ چیز پنهانی برای خدا وجود ندارد. با این گونه توصیفات، انسان، هم بی‌به علم مطلق خدا می‌برد و هم، به مراقبت بر اعمال و رفتارش می‌افزاید، چرا که خدا را ناظر بر پنهانی‌ترین اعمال خویش می‌بیند. در ادامه معرفی صفات خداوند به صفاتی پرداخته شده که هر یک به دنبال پاسخ به برخی از سؤالات و شبهات دانش‌آموزان است.

برخی دانش‌آموزان به دلیل برخی آموزش‌ها و القاعات غلط، تصویر تیره و تاری از خدا دارند و او را

خالقی نامهربان می‌دانند. آنان گمان می‌کنند خداوند هر گناهکاری را به شدیدترین عذاب‌ها دچار می‌کند و از این رو، با خدای غضبناک و انتقام‌گیرنده‌ای مواجه‌اند. برخی نوجوانان نیز از خدا، ناامیدند و گمان می‌کنند به دلیل مرتکب شدن برخی گناهان، دیگر راهی به سوی خدا ندارند. گروه دیگری، خداوند را خالقی سخت‌گیر می‌دانند که نمی‌خواهد بندگانش در خوشی و آسایش باشند و از این رو، با وضع قوانین سخت‌گیرانه، آنها را از لذت‌های دنیا، بازمی‌دارد. نویسنده با توجه به شبهاتی این چنین که در ذهن برخی نوجوانان است، سعی کرده تا با کلام خداوند، به این باورهای نادرست، پاسخ گوید.

در ابتدا پس از بیان علم‌بی‌ایمان خداوند به صفت مهربانی خدا اشاره شده است و گفته شده که مهربانی خداوند حد و مرزی ندارد و دامنهٔ این مهربانی، آن قدر وسیع است که همه چیز و همه کس را دربرگرفته است :

وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (سورة اعراف، آیه ۱۵۶)

خداوند آن قدر به مهربانی در حق بندگانش توجه داشته که حتی آن را بر خود لازم و ضروری کرده است.

كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ (سورة انعام، آیه ۱۲)

در ادامه به صفت «ودود» اشاره شده است. ودود از ریشه «ود» و به معنای دوست داشتن کسی یا چیزی است و در این آیه به معنای این است که خداوند بندگانش را دوست دارد.

متأسفانه برخی با اتکا به مهربانی خدا به راحتی دست به گناه می‌زنند، از همین جهت لازم است تا در کنار امیدواری به رحمت خداوند از عذاب و خشم خداوند نیز بیمناک شوند؛ از همین رو در ادامه بحث عقوبت خداوند مورد توجه قرار گرفته است.

سپس این نکته بیان شده که برخلاف تصور برخی که خدا را خالقی ظالم می‌دانند خداوند به هیچ کس کوچک‌ترین ظلمی نمی‌کند و اگر مردم ظلمی در جهان می‌بینند، ناشی از اعمال خود آنهاست.

آیات بعدی نیز یک به یک علاوه بر بیان یکی از صفات الهی به دنبال اصلاح برخی از ذهنیت‌های غلطی است که در بین برخی از دانش‌آموزان رواج دارد. بنابراین، این آیات فرصت خوبی است تا به اصلاح باورهای غلط برخی مخاطبان، بپردازیم.

■ **فعالیت کلاسی :** در این فعالیت، دانش‌آموزان با صفات دیگری از خداوند که در این دو سوره آمده است، آشنا می‌شوند، صفاتی همچون رحمان، رحیم، رب العالمین، مالک یوم‌الدین و...

■ **بیشتر بدانیم :** قرآن کریم به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت صفات الهی، به دانش‌آموزان معرفی شد. به یقین اهل بیت پیامبر، مفسران قرآن‌اند و کلام و سخن آنان نیز در راستای کلام وحی است. از این رو، مراجعه به تعالیم آنان نیز ما را در شناخت هرچه بیشتر خداوند، یاری می‌کند. در این قسمت، بخشی از خطبهٔ ۹۱ نهج‌البلاغه در توصیف خداوند آمده است. توصیفی که همچون تعالیم قرآن، هم بر معرفت ما بر خدا

می‌افزاید و هم، دل و جان ما را متأثر از این معرفت می‌کند.

هر انسانی با شنیدن توصیف امام علی علیه السلام با خود این‌گونه خواهد گفت که خدایی که از درون لانه‌های مورچگان و خانه‌های حشرات، باخبر است، خدایی که از مخفیگاه ریزترین حشرات در بین ساقه‌ها و پوست درختان آگاه است، خدایی که صدای آهسته قدم‌ها را می‌شنود، به یقین از من نیز غافل نیست و مرا به حال خود، رها نکرده است. او از حال و روزم خبر دارد و تک‌تک اعمالم در برابر او، حاضر است. این تلنگر، باعث می‌شود تا ما همیشه خود را حاضر در برابر او بدانیم و اعمال و کردار خود را اصلاح کنیم.

■ **تفکر در کتاب خلقت:** دومین راهی که در این کتاب برای شناخت صفات بیشتری از خالق هستی معرفی شده است، راه تفکر در جهان آفرینش است. نویسنده در این بخش، جهان آفرینش را به زیبایی، تشبیه به کتاب خلقت نموده است. یعنی همچون کتاب آسمانی، جهان آفرینش نیز به مانند کتابی است که محتوای آن ما را به سوی خالق هستی راهنمایی می‌کند. آیه‌های کتاب خلقت، همان مخلوقاتی‌اند که هر یک همچون نشانه‌ای، هدایتگر ما به سوی خداوندند.

در ادامه نیز سخنی از فیزیک‌دان بزرگ معاصر یعنی اینشتین آمده است تا تأییدی بر این مدعا باشد که به هر میزان علم و دانش ما نسبت به جهان اطراف افزایش یابد، بیشتر می‌توانیم پی به علم و قدرت خداوند ببریم (در بخش دانستنی‌های معلم، جملات دیگری از برخی دانشمندان در خصوص شگفتی‌های خلقت و نیز گوشه‌ای از عظمت جهان هستی جهت ارائه به دانش‌آموزان بیان شده است).

■ **یک پرسش:** دانش‌آموزان پس از مطالعه در کتاب الهی مشاهده می‌کنند که در آیات قرآن در عین اینکه برخی صفات به خدا نسبت داده شده است، برخی صفات مانند فرزند داشتن، شریک داشتن و... از خدا سلب شده است. همچنین با مطالعه در کتاب آفرینش به این نکته پی‌می‌برند که اگرچه مخلوقات همه صفات کمالی خود را از خالق هستی گرفته‌اند اما برخی از ویژگی‌های مخلوقات که ریشه در محدودیت و نقص دارد را نمی‌توان به خدا نسبت داد، مثل جسمانی بودن. موجود جسمانی به مکان معین و زمان معین، محدود است و این یک نقص است. موجود جسمانی نمی‌تواند در همهٔ زمان‌ها و همهٔ مکان‌ها باشد، درحالی که خداوند در همهٔ زمان‌ها هست و همه‌جا حضور دارد.

■ **فعالیت کلاسی:** ویژگی‌هایی همچون زاد و ولد، جسم داشتن و...

■ **حمد و تسبیح:** این قسمت به تبیین معنای حمد و تسبیح می‌پردازد. هر انسانی به طور طبیعی، زیبایی و کمال را دوست دارد و از زشتی و نقص، دوری می‌جوید. هر جا که زیبایی را ببیند، می‌ستاید و هر جا که زشتی را ببیند، بیزاری می‌جوید. وقتی ما گل زیبایی را به دست می‌گیریم و می‌بویم و لذت می‌بریم و «به‌به» می‌گوییم، همین ابراز احساس، حمد و ثنای این گل است. حال اگر کسی با تأمل و تفکر دریابد که همهٔ این

زیبایی‌هایی که در مخلوقات است از جانب خداست و او زیباترین است و هیچ نقصی از نقص‌های مخلوقات در او راه ندارد، خودبه‌خود زبان به ستایش او می‌گشاید (حمد) و هر بدی را از او دور می‌کند (تسبیح). به همین جهت است که انسان‌های مؤمن و کسانی که در حد خویش خدا را شناخته باشند، با دیدن هر خوبی و زیبایی در جهان، به تعریف و تمجید (حمد) خالق اصلی آن زیبایی می‌پردازند. وقتی هم که در نماز می‌گوییم : الحمدلله یعنی تمام تعریف‌ها و ستایش‌های جهان از آن خداست چرا که هر کسی که زبان به ستایش یک خوبی می‌گشاید، دانسته یا ندانسته از خالق آن زیبایی، تمجید می‌کند. برای درک بهتر این مطلب می‌توان مثال نی را زد. ممکن است کسی وقتی صدای زیبای نی را می‌شنود به تحسین و تمجید از نی پردازد در حالی که نی وقتی از لب‌های نوازنده دورمی‌افتد بی‌نغمه خواهد شد و دیگر هیچ نوای خوشی ندارد. پس باید به تحسین خالق اصلی این نوای زیبا پرداخت که همان نوازنده نی است.

نی ز نغمه واماند چون ز لب جدا ماند

دانستنی‌های معلم

۱ در قرآن کریم ۱۲۷ مورد از صفات خداوند بیان شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از :

اله : خدا	احد : یکتا
اعلی : بالاتر	اکرم : گرامی‌تر
اعلم : داناتر	ارحم الراحمین : مهربان‌ترین مهربانان
احکم الحاکمین : استوارترین فرمانروایان	احسن الخالقین : بهترین آفرینندگان
اهل المغفرة : بخشایشگر	اقرب : نزدیک‌تر
ابقی : ماندگارتر	باری : هست‌کننده
باطن : حس‌شدنی	بدیع : نوآور
برّ : نیک	بصیر : بینا
تواب : بسیار توبه‌پذیر	جبار : بسیار جبران‌کننده
حکیم : سنجیده‌کردار	حلیم : بردبار
حیّ : زنده	حق : حق
حمید : ستوده	حسیب : حساب‌کننده
حفیظ : نگه‌دارنده	حقیّ : مهربان
خبیر : آگاه	خالق : آفریدگار
خلاق : بسیار آفریننده	خیر : خوب‌ترین

خیر الحاکمین : بهترین داوران	خیر الرّازقین : بهترین روزی دهندگان
خیر الغافرین : بهترین آمرزندگان	خیر الفاتحین : بهترین پیروزمندان
خیر الرّاحمین : بهترین رحم کنندگان	خیر الوارثین : بهترین وارثان
ذو الطّول : ولی نعمت	خیر المنزلین : بهترین نازل کنندگان
ذو الفضل العظیم : بخشایشگر بزرگ	ذو انتقام : انتقام گیرنده
ذو القوّة : نیرومند	ذو الرّحمة : دارای رحمت
ذو المعارج : صاحب مراتب	ذو الجلال و الاکرام : باشکوه و بزرگواری
رحیم : مهربان	رحمان : بخشاینده
رب : پروردگار	رئوف : مهربان
رزاق : بسیار روزی دهنده	رفیع الدّرجات : بلندمرتبه
سمیع : شنوا	رقیب : نگهبان
شهید : گواه	سریع الحساب : زودحسابگر
شکور : بسیار سپاس دارنده	شاکر : سپاس دارنده
شدید المحال : سخت کيفر	شدید العقاب : سخت کيفر دهنده
ظاهر : آشکار	صمد : بی نیاز
عزیز : ارجمند	علیم : بسیار دانا
علی : بلندمرتبه	عفو : بخشایشگر
علام الغیوب : دانای نهان ها	عظیم : بزرگ
غنی : ثروتمند	عالم الغیب و الشهادة : دانای نهان و آشکار
غالب : چیره	غفور : بسیار آمرزنده
غفار : بسیار آمرزنده	غافر الذّنب : آمرزنده گناه
فاطر : آفریننده	فالق الإصباح : روشن کننده صبح
قوی : نیرومند	فتاح : بسیار گشاینده
قیوم : پاینده	قدوس : دور از هر عیب و نقص
قهار : بسیار چیره	قاهر : چیره
قادر : توانا	قریب : نزدیک
قابل التّوب : توبه پذیر	قدیر : توانا
کریم : بخشنده	کبیر : بزرگ

کافی : کافی	لطیف : مهربان
مؤمن : ایمنی دهنده	مُهَيِّمِن : نگاهبان
متکبر : بزرگ تر از دیگران	مَصَوِّر : صورت ساز
مجید : با عظمت	مَجِيب : برآورنده دعا
مبین : آشکارکننده	مولی : سرپرست
محیط : دربرگیرنده	مَقِيت : توانا
متعال : بلند مرتبه	مَحِيي : جان بخش
متین : استوار	مَقْتَدِر : قدرتمند
مستعان : یاری خواسته شده	مُبِدِي : آفریننده
نصیر : یاور	نور : روشنایی
وهاب : بسیاربخشنده	واحد : یگانه
ولی : دوست	والی : صاحب اختیار
واسع : گشایش دهنده	وکیل : کارگزار
ودود : بسیار مهربان	هادی : راهنما

۲ تفکر در کتاب خلقت و مطالعه در شگفتی های آن اعجاب بسیاری از دانشمندان را در خصوص عظمت هستی برانگیخته است. در ادامه نمونه هایی از سخنان برخی از این اندیشمندان در خصوص جهان خلقت بیان می شود :

ماکس پلانک، یکی از بزرگ ترین فیزیک دانان نامی معاصر می گوید : «در برابر طبیعت کاوش ناپذیر که مدام نوبه نو می شود، آدمی هر اندازه از نظر علمی پیشرفته تر باشد، همچنان به کودکی می ماند که پیوسته باید آماده شگفتی های حیرت زای تازه ای باشد»^۱.

ایشنتاین در خصوص کشف شگفتی های خلقت می گوید : «زیباترین و عمیق ترین احساسی که ما می توانیم {به هنگام دیدن این زیبایی ها} تجربه کنیم احساسی عرفانی است... کسی که با این احساس بیگانه است و هنوز مجذوب و شگفت زده نشده است مثل مرده می ماند»^۲.

۱- تصویر جهان در فیزیک جدید، ماکس پلانک ، ص ۱۰۵.

۲- فیزیک دانان غربی و مسئله خدا باوری، ص ۳۴

هرچه می‌پرسی، جوابش آتش است
 آب اگر خوردی، عذابش آتش است
 تا بندی چشم، کورت می‌کند
 تا شدی نزدیک، دورت می‌کند
 کج گشودی دست، سنگت می‌کند
 کج نهادی پای، لنگت می‌کند
 با همین قصه دلم مشغول بود
 خواب بایم، خواب دیو و غول بود
 خواب می‌دیدم که غرق آستم
 در دانه اژدهای سرکشم
 در دانه اژدهای خشمگین
 بر سرم باران گرز آستین
 محو می‌شد نعره بایم، بی صدا
 در طنین خنده خشم خدا...
 نیت من، در ناز و در دعا
 ترس بود و وحشت از خشم خدا
 هرچه می‌کردم، همه از ترس بود
 مثل از بر کردن یک درس بود
 مثل تمرین حساب و هندسه
 مثل تلیه مدیر مدرسه

اطلس پیراهن او، آسمان
 نقش روی دامن او، بگنشان
 رعد و برق شب، طنین خنده اش
 سیل و طوفان، نعره توفنده اش
 دکمه پیراهن او، آفتاب
 برق تیغ خنجر او مانتاب
 هیچ کس از جای او آگاه نیست
 هیچ کس را در حضورش راه نیست
 پیش از اینها خاطر دم‌دلگیر بود
 از خدا در ذهنم این تصویر بود
 آن خدایی رحیم بود و خشمگین
 خدایش در آسمان، دور از زمین
 بود، اما در میان ما نبود
 مهربان و ساده و زیبا نبود
 در دل او دوستی جایی نداشت
 مهربانی هیچ معنایی نداشت
 هرچه می‌پرسیدم، از خود، از خدا
 از زمین، از آسمان، از ابرها
 زود می‌گفتند: این کار خداست
 پرس و جو از کار او کاری خطاست

تلخ، مثل خنده ای بی حوصله
 سخت، مثل حل صدها مسئله
 مثل تکلیف ریاضی سخت بود
 مثل صرف فعل ماضی سخت بود

...

تا که یک شب دست در دست پدر
 راه افتادم به قصد یک سفر
 در میان راه، در یک روستا
 خانهای دیدم، خوب و آشتا
 زود پرسیدم: پدر، اینجا کجاست؟
 گفتم، اینجا خانه خوب خداست!
 گفتم: اینجا می شود یک خطه ماند
 گوشه ای خلوت، نازی ساده خواند
 با وضویی، دست و رویی تازه کرد
 بادل خود، گفتگوی تازه کرد
 گفتش، پس آن خدای حکمگین
 خانه اش اینجا است؟ اینجا، در زمین؟
 گفتم: آری، خانه او بی ریاست
 فرش پایش از گلیم و بور ریاست
 مهربان و ساده و بی کینه است

مثل نوری در دل آینه است
 عادت او نیست خشم و دشمنی
 نام او نور و نشانش روشنی
 خشم، نامی از نشانی های اوست
 حالتی از مهربانی های اوست
 قمر او از آشتی، شیرین تر است
 مثل قمر مهربان مادر است
 دوستی را دوست، معنی می دهد
 قمر هم با دوست معنی می دهد
 هیچ کس با دشمن خود، قمر نیست
 قمری او هم نشان دوستی است
 ...

تازه فهمیدم خدایم، این خداست
 این خدای مهربان و آشتاست
 دوستی، از من به من نزدیک تر
 از رنگ کردن به من نزدیک تر
 آن خدای پیش از این را با دبرد
 نام او را هم دلم از یاد برد
 آن خدا مثل خیال و خواب بود
 چون جنابی، نقش روی آب بود

مثل یاران قدیمی حرف زد
 می توان تصنیفی از پرواز خواند
 با الفبای سکوت آواز خواند
 می توان مثل علف ها حرف زد
 با زبانی بی الفبا حرف زد
 می توان درباره هر چیز گفت
 می توان شعری خیال انگیز گفت
 مثل این شعر روان و آشنا
 «پیش از اینها فکر می کردم خدا»

می توانم بعد از این ، با این خدا
 دوست باشم ، دوست ، پاک و بی ریا
 می توان با این خدا پرواز کرد
 سفره دل را برایش باز کرد
 می توان درباره گل حرف زد
 صاف و ساده ، مثل بلبل حرف زد
 چکه چکه مثل باران راز گفت
 با دو قطره ، صد هزاران راز گفت
 می توان با او صمیمی حرف زد

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ پرسش ها و پاسخ ها (خدا)، حسین سمونچی، انتشارات مدرسه.
- ۲ رساتل توحیدی، علامه طباطبایی.
- ۳ راه های خداشناسی در طبیعت، ابوطالب تجلیل، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴ توحید، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.

در پناه ایمان

درس دوم

هدف کلی

شناخت حقیقت ایمان

اهداف جزئی

- آشنایی با ایمان و تفاوت آن با شناخت و معرفت عقلانی
- آشنایی با علت عمل نکردن به برخی از دانسته‌ها با وجود قبول آنها
- آگاهی از راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا
- تأثیر ایمان به خدا در زندگی انسان

ضرورت درس

دانش‌آموزان در درس گذشته با صفات خداوند آشنا شدند و او را به عنوان خالقِ مهربان، توبه‌پذیر، شاکر و... شناختند. اکنون قرار است به درک این نکته برسند که شناخت خدا اگرچه لازم و ضروری است اما برای حرکت به سوی خدا کافی نیست و در کنار شناخت، نیازمند حقیقت دیگری به نام ایمان هستیم. به عبارت دیگر، آثار عملی شناخت خدا زمانی آشکار می‌شود که این شناخت به مرحله ایمان برسد. بنابراین دانش‌آموزان در این درس می‌آموزند که چگونه می‌توانند در مسیر ایمان به خدا گام بگذارند تا اثر دانسته‌های خویش در مورد خدا را در جای جای زندگی خویش احساس کنند.

محورهای اصلی درس

- ۱ علت قصور و کوتاهی انسان در عمل به دانسته‌های خویش.
- ۲ ایمان، اعتماد و اطمینان قلبی کامل به یک مطلب، یک شخص، یک دین یا... است.

۳ همراهی شناخت و ایمان منجر به عمل می‌شود.

۴ راه‌های تقویت ایمان به خدا : تفکر پیرامون آیات خدا در جهان آفرینش، یاد و ذکر خداوند، انجام اعمال صالح و پرهیز از گناهان.

۵ آرامش و رهایی از احساس بیهودگی دو نتیجه ایمان به خدا در زندگی انسان.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد

۱ چرا برخی افراد با وجود آنکه فایده بسیاری از کارها را می‌دانند آن را انجام نمی‌دهند؟

۲ چرا برخی با وجود شناخت نسبت به خدا، نسبت به دستورات و تعالیم وی بی‌توجه هستند؟

۳ ایمان چیست؟

۴ آیا ممکن است به خدا ایمان داشت اما به دستورات او عمل نکرد؟

۵ چگونه می‌توانیم بر ایمان خود به خداوند بیفزاییم؟

۶ ایمان به خدا چه تأثیری بر زندگی ما می‌گذارد؟

۷ نتایج دور شدن از ایمان به خدا چیست؟

روش تدریس

شیوه تدریس «ورودیه»: شروع تدریس با نمونه مطرح شده در ورودیه می‌تواند روش خوبی برای آغاز این درس باشد. شما می‌توانید نمونه‌های دیگری نیز به این بخش اضافه کنید و دانش‌آموزان را به تفکر بیشتر وادارید. مثلاً بگویید چرا بعضی از نوجوانان با وجود آنکه از مضرات بازی‌های کامپیوتری باخبرند اما ساعت‌ها پای آن می‌نشینند؟ چرا برخی‌ها با آنکه می‌دانند حجاب و پوشش مناسب چه فوایدی دارد اما باز با ظاهر نامناسب در جامعه حضور می‌یابند؟ و چراهای دیگر.

شیوه تدریس «تفکر پیرامون آیات خدا در جهان آفرینش»: در این قسمت می‌توان با ذکر مواردی از عجایب و شگفتی‌های خلقت، روح و جان مخاطب را در برابر عظمت خداوند خاضع کرد. برای نمونه می‌توان از متن شماره ۳، بخش دانستنی‌های معلم استفاده کرد.

شیوه تدریس «آثار ایمان»: در بخش آثار ایمان می‌توان قبله‌نمایی را به کلاس آورد و با نشان دادن آن به دانش‌آموزان این گونه گفت که عقربه‌های قبله‌نما پیوسته لرزان‌اند، مگر زمانی که همسو با قبله باشند.

دل آدمی نیز همین‌طور است،

لرزان و مضطرب است مگر اینکه با خدا همسو شود و همواره در یاد خدا باشد.

پیامبر ﷺ همواره دلی آرام داشت. چرا؟ چون پیوسته در یاد خدا بود :

«لا یقوم و لا یجلس الا علی ذکر اللّٰه» یعنی در تمام نشست‌ها و برخاست‌ها یاد خدا می‌کرد.
البته نه به این معنا که دائم تسبیح به دست بود. بلکه هر کجا می‌خواست کاری انجام دهد، آنچه را که مطابق رضای خدا بود انجام می‌داد.
و یاد خدا به این معناست.

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه: ورودیه این درس با طرح مواردی به دنبال آماده کردن ذهن دانش‌آموزان برای درک این نکته است که صرف دانستن در خصوص یک مطلب، موجب عمل به آن نمی‌شود، بلکه علاوه بر شناخت، نیاز به وجود امر دیگری است تا به وسیله آن، انسان در جهت عمل به دانسته‌های خویش گام بردارد.
دانش‌آموز با نگاهی به زندگی خود و اطرافیانش موارد متعددی را مشاهده می‌کند که کسانی با وجود آنکه به فواید برخی کارها معترفند اما حاضر به انجام آن نیستند. مثلاً از فواید مسواک زدن با خبرند اما به آن تن نمی‌دهند و یا از اثرات ورزش بر سلامتی آگاهند، اما وقتی برای آن اختصاص نمی‌دهند. همچنین موارد بسیاری را مشاهده می‌کند که کسانی با وجود علم به مضرات یک عمل، حاضر به دست کشیدن از آن نیستند. به عنوان نمونه از مضرات سیگار با خبرند اما آن را ترک نمی‌کنند.

طرح این نمونه‌ها کمک می‌کند تا دانش‌آموز به این نتیجه برسد که تنها شناخت برای عمل کردن کافی نیست بلکه در کنار شناخت، نیاز به امر دیگری نیز هست تا بتواند انسان را به سمت عمل سوق دهد.

همچنین در این قسمت دانش‌آموز متوجه این نکته خواهد شد که همان‌طور که صرف شناخت یک حقیقت منجر به عمل نمی‌شود، صرف شناخت خدا و آشنایی با صفات و ویژگی‌های او نیز لزوماً به تسلیم شدن در برابر خدا و تبعیت از او منجر نمی‌شود، بلکه باید در کنار این شناخت، باور قلبی یا همان ایمان به خدا را نیز در درون خود ایجاد کنیم.

نکته مهم: پررنگ کردن بحث ایمان در این قسمت به معنای کم‌توجهی به اهمیت بحث معرفت و شناخت نیست زیرا تا نسبت به حقیقتی شناخت پیدا نکنیم نمی‌توانیم نسبت به آن باور قلبی پیدا کنیم و در واقع شناخت مقدمه ایمان است.

شناخت ← ایمان ← عمل

بنابراین ادعای کسانی همچون مسیحیان که می‌گویند ایمان یعنی باور به چیزی که درک و شناختی از آن نداریم، باطل و تنها در توجیه عقاید غیر عقلانی آنهاست زیرا در مسیحیت تحریف شده عقایدی همچون تثلیث و یا جسم انگاری خدا وجود دارد که با هیچ عقل و منطقی سازگار نیست و از همین رو آنان

ناچارند برای موجه نشان دادن چهره مسیحیت و توجیه این عقاید، ایمان را به گونه‌ای تفسیر کنند که نیاز به عقل و معرفت در آن وجود نداشته باشد. اما در حقیقت، ایمانی که همراه با معرفت و شناخت نباشد ایمان نیست بلکه صرفاً تقلید و پیروی کورکورانه است. اما ایمانی که در دین اسلام مطرح است، ایمانی است که شناخت و معرفت مقدمه ضروری آن است.

■ **حقیقت ایمان:** تبیین معنای ایمان از اهداف این قسمت است. همان گونه که ملاحظه می‌کنید تعریفی که در این بخش، از ایمان ارائه شده تعریفی کلی است که هر گونه ایمانی را در بر می‌گیرد؛ چه ایمان مذهبی و چه ایمان به امور غیر مذهبی. هدف از این تعریف کلی هم این بوده است که مخاطب متوجه شود که ایمان منحصر در مسائل دینی نیست و به هر نوع اعتماد و اطمینان قلبی که انسان به یک موضوع دارد ایمان (یا همان باور قلبی) گفته می‌شود. مثلاً کسی که برای ورزش کردن وقت می‌گذارد معلوم است که به ورزش و تأثیرات آن در بدن ایمان دارد. حتی ممکن است فرد به زشتی‌ها و بدی‌ها و شیطان ایمان بیاورد. خداوند در قرآن کریم از کسانی یاد می‌کند که به طاغوت و شیطان ایمان می‌آوردند: *يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ* (سوره نساء، آیه ۵۱)

در این بخش اشاره‌ای هم به همراهی ایمان و عمل شده است. یعنی هر جا که ایمان باشد عمل نیز به دنبال آن خواهد بود. در واقع عمل ثمره و نتیجه ایمان است.

ذکر این نکته از آن رو ضروری است که برخی گمان می‌کنند همین که به خدا و پیامبر او ایمان دارند کافی است و از همین رو تنقید چندانی به انجام اعمال دینی ندارند. در حالی که کسی که اهل عمل به دستورات الهی نیست در واقع ایمان هم ندارد و ادعای ایمان او حرف‌گزافی است؛ زیرا محال است که فرد به حقیقتی ایمان داشته باشد اما عملی به دنبال آن نباشد. پس هرگاه دیدیم که عمل نیست بدانیم که ایمان هم نیست.

پس از تعریف کلی ایمان، به تبیین یکی از مصادیق ایمان که همان ایمان به خداست پرداخته شده است. از این قسمت به بعد هر آنچه که در مورد ایمان گفته می‌شود مربوط به ایمان به معنای دینی و مذهبی آن است. پاسخ به یک سؤال: ممکن است این سؤال پیش آید که چرا از همان ابتدا به بحث ایمان دینی پرداخته نشد؟ یکی از دلایل این مسئله زمینه‌سازی برای پاسخ به شبهه‌ای است که ممکن است در ذهن برخی از دانش‌آموزان شکل بگیرد و آن اینکه: اگر عمل همیشه همراه با ایمان است پس چگونه شاهد آن هستیم که در برخی از جوامع بی‌ایمان، کارهای خوب و پسندیده‌ای از سوی مردم انجام می‌شود، مثلاً قانون به خوبی در این کشورها رعایت می‌شود؛ نظم اهمیت بالایی دارد و... در حالی که گفته شده عمل ثمره ایمان است اما در این جوامع ایمانی وجود ندارد!

این شبهه در صورتی در ذهن مخاطب رخ می‌دهد که گمان کند منظور از ایمان در بحث همراهی ایمان و عمل، همان ایمان دینی است. اما اگر دانش‌آموز طبق تعریف ارائه شده در درس، بداند که ایمان به هر گونه باور و اعتقاد

قلبی ای گفته می‌شود که انسان به یک مطلب یا موضوعی دارد (هرچند که آن موضوع، غیردینی باشد)، پاسخ به این شبهه آسان می‌شود. طبق این تعریف حتی در جوامع بی‌دین نیز ایمان وجود دارد. به عنوان نمونه در این کشورها مردم به این باور قلبی رسیده‌اند که رعایت نظم به نفع همه است و به نظم ایمان آورده‌اند، بنابراین به آن عمل می‌کنند و با به این باور درونی رسیده‌اند که رعایت قانون به نفع همگان و از جمله خود آنهاست برای همین به قانون عمل می‌کنند. پس آنها نیز ایمان دارند، ایمان به نظم، ایمان به قانون و... به دلیل این ایمان است که این اعمال از آنها سر می‌زند.

■ بیشتر بدانیم: این بخش در پاسخ به سخنی است که متأسفانه در میان برخی از مردم رواج دارد و به محض اینکه کسی به اعمال و رفتار آنان اعتراض کند می‌گویند: این چیزها خیلی مهم نیست بلکه مهم این است که قلبت پاک باشد!

در این قسمت با توجه به آنچه که دانش‌آموز درباره همراهی ایمان و عمل خوانده است و با کمک یک مثال بیان شده است که ممکن نیست کسی در قلبش ایمان باشد اما به دنبال آن عمل و کردار صالح نباشد. یقیناً کسی که ظاهر و کردار و گفتار نامناسبی دارد، یا قلبش از نور ایمان تهی است و یا از ایمان اندکی بهره‌مند است.

■ آثار ایمان: پس از آنکه دانش‌آموزان ارزش ایمان را شناختند، اکنون شایسته است که با ثمرات ایمان بیشتر آشنا شوند. در این درس به دو اثر ایمان بر انسان اشاره شده است: آرامش و رهایی از احساس بیهودگی. انتخاب این دو اثر از میان آثار فراوان ایمان به خدا، به علت ویژگی‌های خاص روحی دانش‌آموزان در این سن است. دانش‌آموزان با ورود به این سن که سن استقلال طلبی و شکل‌گیری شخصیت و هویت نوجوان است با بحران‌های متعددی مواجه می‌شوند که از آن جمله احساس تشویش و اضطراب و نیز احساس سردرگمی و بیهودگی در زندگی است.

نوجوان امروزی به دلیل قرار گرفتن در دنیای غرب زده کنونی و به چالش کشیده شدن هویت دینی وی، بیش از هر زمان دیگری با این بحران‌ها مواجه است. دنیای پر اضطراب غرب که هویت انسان را در همین دنیای مادی خلاصه می‌کند، اگر چه به دلیل جاذبه‌های ظاهری موجب کشش جوانان به سمت خود می‌شود اما نمی‌تواند پاسخ‌گوی فطرت پاک نوجوان و جوان ما باشد. همین امر موجب می‌شود تا جوان امروزی گرفتار تشویش، اضطراب، افسردگی و احساس پوچی شود. از این رو، لازم است تا بدانند که برای رهایی از این ورطه باید قلب خود را با یاد و نام خدا آرام کند و هویت واقعی خود را در سایه ایمان به خدا پیدا نماید.

■ راه‌های دستیابی و تقویت ایمان به خدا: پس از آشنایی دانش‌آموز با حقیقت ایمان و جایگاه آن، این سؤال در ذهن وی شکل می‌گیرد که چگونه می‌تواند شناخت خود را به مرحله ایمان برساند و ایمان به خدا را در دل خود تقویت کند و در زمره مؤمنان واقعی قرار گیرد. در این قسمت با استفاده از سیره معصومین علیهم‌السلام سه راه در جهت تقویت ایمان توضیح داده شده است. البته راه‌های تقویت ایمان، راه‌های رسیدن به ایمان نیز هست.

■ یاد و ذکر خداوند: می‌توان در این قسمت علاوه بر تأکید بر انس با قرآن و توجه به نماز اول وقت،

دانش‌آموزان را با برخی دیگر از راهکارهای جاری ساختن یاد خدا در زندگی آشنا سازیم : هم‌نشینی با افراد باایمان، مطالعه در زندگی امامان و سایر انسان‌های مؤمن (شهدا، بزرگان دین و...)، حضور در مسجد و... .
■ بیشتر بدانیم : این بخش به دنبال پررنگ کردن بحث برنامه‌ریزی برای تلاوت منظم قرآن و نیز اقامه نماز اول وقت است. این دو کار در سیره ائمه و اولیای خدا از بهترین راهکارها برای افزایش ایمان به خداست. اگر دانش‌آموزان یاد بگیرند که برنامه‌ای منظم و روزانه برای تلاوت قرآن داشته باشند و همچنین نماز خود را در ابتدای وقت آن بخوانند، نور ایمان را در قلب خود احساس خواهند کرد.

■ انجام نیکی‌ها و دوری از گناهان : در این قسمت رابطه دوسویه ایمان و عمل صالح بیان شده است. برای تبیین بهتر این مطلب می‌توان این مثال را زد : کسی که ارزش خدمت به نیازمندان و محرومان را می‌داند (شناخت) و سپس علاقه قلبی و باور قلبی به این کار پیدا می‌کند (ایمان)، روبه سوی کمک به محرومان می‌آورد (عمل)، از طرف دیگر، با پا گذاشتن به این کار و روبه‌رو شدن با محرومان و نیازمندان، روز به روز بر علاقه و محبتش به آنان و باور قلبی‌اش برای کمک به محرومان افزوده می‌شود (افزایش ایمان).

ایمان ← عمل

■ فعالیت کلاسی : در این فعالیت سعی شده تا با ارائه یک مثال، دانش‌آموزان با تأثیر برخی اعمال بر ایمان انسان آگاه شوند. به همین منظور ابتدا روایتی از امیرالمؤمنین ذکر شده که دوستی با افراد گناهکار را باعث از بین رفتن ایمان می‌دانند. دانش‌آموزان با توجه به این حدیث بایستی بیان کنند که دوستی با چنین افرادی چگونه باعث نابودی ایمان می‌شود. به‌عنوان نمونه این‌گونه دوستان به انسان پیشنهاد دیدن فیلم‌های نامناسب را می‌دهند که باعث از بین رفتن ایمان می‌شود یا انسان تحت تأثیر آنها لباس‌هایی را می‌پوشد که باعث تضعیف ایمان انسان می‌شود، همچنین انسان پس از مدتی رفت و آمد با این افراد واجبات دین خود مثل نماز را به فراموشی می‌سپارد که خود عاملی در جهت تضعیف ایمان است.

■ الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن : در این قسمت شایسته است که دیران کتاب‌های مناسبی جهت آشنایی دانش‌آموزان با شخصیت‌های اثرگذار معرفی کنند، کتاب‌هایی همچون «سلام بر ابراهیم» که به سرگذشت شهید ابراهیم هادی می‌پردازد و کتاب «پرواز تابی نهایت» که ویژگی‌های شخصیتی شهید بابایی را بیان می‌کند.

دانستنی‌های معلم

۱ امام خمینی رضی الله عنه در کتاب «چهل حدیث» می‌نویسد :

بدان که «ایمان» غیر از علم به خدا و سایر صفات کمالیه ثبوتیه و جلالیه و سلبیه و علم به ملائکه و رسل و کتب و یوم قیامت است. چه بسا کسی دارای این علم باشد و مؤمن نباشد. شیطان، عالم به تمام این مراتب به قدر من و شما هست و کافر است. بلکه ایمان یک عمل قلبی است که تا آن نباشد، ایمان نیست. باید کسی که

از روی برهان عقلی یا ضرورت ادیان چیزی را علم پیدا کرد، به قلب خود نیز تسلیم آنها شود و علم قلبی را، که یک نحو تسلیم و خضوع است و یک طور تقبل و زیر بار رفتن است، انجام دهد تا مؤمن گردد و کمال ایمان، «اطمینان» است. نور ایمان که قوی شد، به دنبالش اطمینان در قلب حاصل می‌شود و تمام اینها غیر از علم است. ممکن است عقل شما به برهان، چیزی را ادراک کند ولی قلب تسلیم نشده باشد و علم بی فایده گردد؛ مثلاً شما به عقل خود ادراک کردید که مرده نمی‌تواند به کسی ضرر بزند و تمام مرده‌های عالم به قدر مگس، حس و حرکت ندارند و تمام قوای جسمانی و نفسانی از او مفارقت کرده، ولی چون این مطلب را قلب قبول نکرده و تسلیم عقل نشده، شما نمی‌توانید با یک مرده در شبی تاریک به سر ببرید. ولی اگر قلب تسلیم عقل شد و این حکم را از او قبول کرد، این کار برای شما هیچ اشکالی ندارد و چنانچه بعد از چند مرتبه اقدام، قلب تسلیم شده، دیگر باکی از مرده نمی‌کند^۱.

۲ شعری در خصوص ایمان :

شخص انسان دارد و شخصیت انسان ندارد	آدمی کاندرا طریق معرفت ایمان ندارد
تا بدانی هیچ ارزش علم بی ایمان ندارد	ای که مغروری به دانش، دانشت را بیشتر کن
لرزد و ریزد گر از ایمان بی و بنیان ندارد	کاخ دانش گر همه از سنگ و از یولادسازی

۳ ویژگی‌های انسان مؤمن از نگاه امام سجاد (علیه السلام) :

علامات المؤمن خمس: الورع في الخلوة، والصدقة في القلعة، والصبر عند المصيبة، والحلم عند الغضب، والصدق عند الخوف

امام زین العابدین (علیه السلام) : نشانه‌های مؤمن پنج تاست : پارسایی در خلوت، صدقه دادن در تنگدستی، شکیبایی در برابر مصیبت، بردباری هنگام خشم و راست‌گویی با وجود بیم و ترس (بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۹۳)

۴ متنی زیبا و مناسب برای بخش «راه‌های دستیابی و تقویت ایمان» :

«مدتی بود که احساس می‌کردم، حالم خوب نیست. برای معاینه به درمانگاه خدا رفتم. آزمایش خون گرفتم؛ معلوم شد که میزان ایمانم پایین آمده است. زمانی که دمای بدنم را سنجیدند، دماسنج ۴۰ درجه اضطراب نشان داد. ضربان قلبم را که گرفتند، معلوم شد که قلبم مدتی است برای خدا نمی‌تپد. چشمم را معاینه کردند، معلوم شد مشکل نزدیک‌بینی هم دارم، چون جز خودم و خواسته‌های دنیوی خودم کسی را نمی‌دیدم، زمانی که از مشکل شنوایی‌ام شکایت کردم، معلوم شد که مدتی است صدای خدا را، آن‌گاه که در طول روز مرا به صحبت با خویش می‌خواند، نمی‌شنوم. وقتی که معاینات تمام شد و از حال و روز بد خودم

باخبر شدم، خداوند مهربان برای درمان همه این امراض به من مشاوره‌ای رایگان داد و من نیز تصمیم گرفتم از این پس تنها از داروهایی که در کلمات راستیش برایم تجویز کرده است، استفاده کنم : هر شبانه روز پنج نوبت نماز بخوانم، در هر ۲۴ ساعت حداقل روزی یک صفحه قرآن تلاوت کنم و در معانی آیات آن بیندیشم، هر صبح خود را با توکل به خدا آغاز نمایم و زمانی که به بستر می‌روم به کارهای آن روز خود فکر کنم و از اشتباهاتم توبه نمایم.»

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان و ایمان)، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
- ۲ نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن، محسن جوادی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

راهنمایان الهی

درس سوم

هدف کلی

شناخت برخی از ویژگی‌های مشترک رسولان الهی

اهداف جزئی

- آشنایی با ویژگی مبارزه با شرک، طاغوت و عقاید خرافی
- آشنایی با ویژگی عبودیت و تسلیم در برابر اوامر الهی
- آشنایی با ویژگی پایداری در سختی‌ها
- ارزیابی و نقد رفتار و عقاید فردی و اجتماعی خود بر اساس الگوی گرفته شده از پیامبران

ضرورت درس

وجود درس با محوریت معرفی شخصیت رسولان الهی، پس از ارائه بحث ایمان به خدا که در درس قبل ارائه شد، از دو جهت ضرورت می‌یابد.

الف) از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت دینی به منظور افزایش ایمان به خدا، داشتن الگو است. الگو علاوه بر آنکه امکان انجام یک فعل را نشان می‌دهد، چگونگی انجام آن را نیز آموزش می‌دهد. به عبارتی دیگر به مخاطب، امکان انجام عمل و چگونگی آن را نشان می‌دهد. از همین روست که قرآن کریم به معرفی الگوهای متعدد و با جنسیت‌های متفاوت پرداخته است. با توجه به اینکه در درس قبل، یکی از راه‌های افزایش ایمان، الگو قرار دادن انسان‌های مؤمن بیان شد، در این درس، پیامبران به‌عنوان یکی از این الگوها معرفی می‌شوند.

ب) ضرورت دیگری که سبب طراحی این درس شده است، فضای رسانه‌ای به‌ویژه در حوزه سینما پیرامون پیامبران الهی است. در سال‌های اخیر، تولیدات سینمای غرب با محوریت پیامبران الهی رشد چشمگیری داشته است. تصویری که در این فیلم‌ها از رسولان الهی ارائه می‌شود، تصویری ناقص و البته انحرافی است به‌گونه‌ای که حتی برخی از آنها مورد اعتراض کلیسا نیز قرار گرفته است. این فیلم‌ها به‌آسانی

در اختیار دانش‌آموزان قرار دارد و چنانچه اقدام مناسبی در این زمینه صورت نگیرد، تلقی دانش‌آموزان نسبت به پیامبران الهی ناقص و انحرافی می‌شود. ارائه این درس در پاسخ به این نیاز برخاسته از فضا و محیط حاکم بر دانش‌آموز است.

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱ آشنایی با زندگی و ویژگی‌های پیامبران چه تأثیری بر زندگی ما دارد؟
- ۲ پیامبران الهی چه ویژگی‌های بارزی داشتند؟
- ۳ آیا دردنیای امروز نیز عقاید باطل و خرافی وجود دارد؟
- ۴ چگونه می‌توانیم همچون پیامبران تسلیم امر خدا باشیم و با عقاید باطل مبارزه کنیم؟

محورهای اصلی درس

- ۱ پیروی از الگوهای مناسب سبب افزایش ایمان و موفقیت در مسیر زندگی می‌شود و رسولان الهی، الگوهای مسیر سعادت بشر هستند.
- ۲ تسلیم امر خدا بودن، استقامت و ایستادگی در راه حق، پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها از جمله ویژگی‌های مشترک رسولان الهی بوده است.
- ۳ رمز استقامت پیامبران در مقابل مخالفان، اطمینان به وعده‌های بزرگ الهی بوده است.
- ۴ رسولان الهی در مقابل مشرکان، ضمن خرافه دانستن اعتقاد آنها با استدلال محکم و دعوت به اندیشه‌ورزی و تفکر به مبارزه با عقاید باطل‌شان می‌پرداختند.
- ۵ از مهم‌ترین عوامل گمراهی مردم، «علم نداشتن» و تبعیت از کسانی بوده است که آنها نیز علم نداشته‌اند.
- ۶ عقاید خرافی منحصر به زمان خاصی نیست؛ آنها را در هر عصری باید شناخت و برای از بین رفتن آنها اقدام کرد.

تحلیل اجزای درس

- ۱ ورودیه : این ورودیه به صورت ضمنی به دنبال تبیین بحث ضرورت اسوه قرار دادن پیامبران الهی، برای طی کردن مسیر سعادت است.
- در این ورودیه، شخصیت انسان به ساختمانی تشبیه شده است که این ساختمان هر روز با کردار و رفتار ما در حال تکمیل شدن است. در ادامه این سؤال پرسیده شده که آیا ساختمانی که مبتنی بر یک نقشه و الگو ساخته می‌شود کامل‌تر و محکم‌تر است یا ساختمانی که معمار آن را براساس سلاقی شخصی خود می‌سازد؟

یقیناً ساختمان منطبق بر نقشه خوب، ساختمانی کامل، محکم و استوار است و ساختمان بدون نقشه و الگو، ساختمانی ناموزون، سست و بی‌بنیان است. این نکته در مورد ساختمان شخصیت ما نیز صدق می‌کند. ساختمان شخصیت ما اگر از الگوهای درست و کاملی تبعیت نکند و براساس سلاقی شخصی ساخته شود، قطعاً موجب نقصان و خلل در اخلاق و روحيات ما می‌شود. به صورت خلاصه آنچه در این ورودیه مورد نظر است آن است که :

- ۱ شخصیت هر انسانی هر روز در حال شکل گرفتن است، چه بخواهیم و چه نخواهیم. پس چه بهتر که ساختمان شخصیت خود را براساس الگوهای مطمئن شکل دهیم.
 - ۲ در انتخاب الگوها، باید به تناسب الگوها با هدف پیش رو توجه ویژه نمود. در اینجا هدف انسان سعادت در دنیا و آخرت است؛ بر این اساس «پیامبران الهی» و پیروان راستین آنها، بهترین الگوها هستند.
 - ۳ تبعیت از پیامبران الهی، بدون آشنایی با ویژگی‌های آنها میسر نمی‌باشد؛ بنابراین لازم است شناخت کافی از ویژگی‌های آنها به دست آوریم. درس حاضر به این مهم می‌پردازد.
- نکته مهم :** دربارهٔ ورودیه‌ها به این نکته باید توجه کرد که محتوای ورودیه‌ها دارای دو حالت متفاوت می‌باشند :

گاه محتواها صرفاً طریقت دارند؛ به این معنا که برای وصول به هدف مورد نظر از آنها به عنوان ابزار استفاده می‌شود تا به فهم موضوع کمک نمایند ولی موضوعیت ندارند یعنی معلم می‌تواند از محتوای متفاوتی استفاده نماید. به عنوان مثال در درس حاضر استفاده از مثال ساختمان صرفاً طریقت دارد و دبیر محترم می‌تواند از هر مثال دیگری در این موضوع استفاده نماید، مثل الگوها در خیاطی و... بدیهی است از این بخش‌ها در طراحی سؤال استفاده نمی‌شود.

اما برخی دیگر از محتواها علاوه بر طریقت، موضوعیت نیز دارند. یعنی خود محتوای ورودیه مهم و دارای بار آموزشی است. نمونهٔ بارز این نوع محتواها را در ورودیه درس بعد داریم. این مهم در بحث ارزشیابی نیز اثرگذار است چرا که از محتواهایی که هم طریقت دارند و هم موضوعیت سؤال طراحی می‌شود و از آن بخش که صرفاً طریقت دارد سؤال طراحی نمی‌گردد.

ویژگی‌های پیامبران

از مجموع ویژگی‌های پیامبران، سه ویژگی انتخاب شده است. تسلیم در برابر امر خداوند، استقامت و پایداری در راه خدا و پیروی نکردن از عقاید باطل و مبارزه با آنها. ویژگی‌های ارائه شده در سه حیطة کاملاً متفاوت ارائه شده‌اند. (الف) ویژگی تسلیم در برابر امر خداوند : این ویژگی به رابطهٔ شخصی پیامبران با خداوند متعال اشاره دارد.

کتاب، قبل از بیان مصداق‌هایی از این ویژگی، تسلیم امر مولا بودن را در زندگی دنیایی و در میان جامعه انسانی امری عقلایی دانسته و از این موضوع دنیایی استفاده کرده و وجود این خصلت در میان برگزیدگان الهی را جزء لاینفک حکمت خداوند دانسته است.

در بیان نمونه‌ها، سه مصداق از تسلیم بودن سه رسول که دو تن از آنها اولوالعزم می‌باشند، ارائه شده است. **۱** حضرت ابراهیم علیه السلام : دانش‌آموزان در پایه دوم دوره ابتدایی با این شخصیت آشنا شده‌اند. این آشنایی در قالب گفتگوی ایشان با حاکم زمان خود، که جلوه‌ای از شجاعت کم‌نظیر آن حضرت است، بوده است. خوب است بدانیم در قرآن کریم در میان رسولان الهی دو پیامبر به صراحت به عنوان الگو معرفی شده‌اند؛ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت ابراهیم علیه السلام.

در سراسر قرآن کریم در فرایند مقابله با مشرکان، مسیحیان و یهودیان، حضرت ابراهیم علیه السلام مقیاس سنجش عقاید آنان بوده است.

۲ حضرت موسی علیه السلام : این پیامبر بزرگ الهی در پایه چهارم ابتدایی به دانش‌آموزان معرفی شده و داستان ولادت ایشان محور آموزش بوده است. پیش از آن در درس قرآن، جریان محاجه ایشان با فرعون و معجزات آن حضرت آمده است. اما داستان ارائه شده در این درس برای اولین بار در کتاب‌های درسی آمده است و آشنایی پیشین برای آن وجود ندارد.

۳ حضرت ایوب علیه السلام : داستان سوم مربوط به حضرت ایوب علیه السلام است. در تدریس این بخش نیز نیازمند آن هستیم که مشکلات و سختی‌های حضرت ایوب برای دانش‌آموزان بیان شود. شناخت تاریخ و مکان نبوت ایشان می‌تواند به تدریس کمک نماید.

استفاده از آیات قرآن کریم در فرایند تدریس این داستان‌ها، ضمن ایجاد فضای معنوی، سبب آشنایی بیشتر با قرآن کریم می‌گردد و زمینه مطالعه بیش از پیش قرآن را فراهم می‌آورد.

■ فعالیت کلاسی : این فعالیت می‌تواند جواب‌های متعددی داشته باشد که باید از سوی دانش‌آموزان بیان شود. هدف این فعالیت این است که دانش‌آموز پس از آشنایی با صفات پیامبران سعی در پیاده کردن این صفات در زندگی خود داشته باشد.

ب) ویژگی استقامت و پایداری در راه خدا : این ویژگی در رابطه پیامبر با خلق خداست با محوریت دعوت الهی. مواجهه مردم با دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو نمود کاملاً متمایز در دو بُعد متفاوت داشته است و این جریان بدون استثنا برای همه رسولان الهی در طول تاریخ رخ داده است.

گروهی ایمان آورده‌اند و گروه دیگری با محور قرار دادن زندگی این دنیا و با اعتقاد به تقابل میان لذت‌های دنیا و آخرت، در مقابله با پیامبران دو گونه عکس‌العمل نشان داده‌اند : ایراد اتهام دروغگویی و دیگری قتل. دروغگو خواندن رسولان الهی در قالب ساحر بودن، مجنون بودن، افسانه بودن محتواها، مسخره کردن

و افترا صورت می‌گرفت.

در این بخش نیز دو رسول یعنی حضرت نوح علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام انتخاب شده‌اند. دانش‌آموزان با حضرت نوح علیه السلام در پایه دوم ابتدایی به صورت مختصر آشنا شده‌اند. ایشان نماد استقامت می‌باشند، به گونه‌ای که پس از ۹۵ سال دعوت، عده معدودی به وی ایمان آوردند و سایرین در مقابل ایشان به انواع آزار و اذیت، تمسخر، تهدید و... متوسل شدند.

در بخش دیگر به استقامت حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با نزدیکان، مردم مشرک و پادشاه زمان خود پرداخته شده است. نکته بسیار مهم این بخش دلیل و مبنای این همه استقامت می‌باشد که همان وعده‌های بزرگ الهی است.

■ **فعالیت کلاسی:** هدف از این فعالیت این است که دانش‌آموزان بتوانند آنچه را که در مورد ویژگی‌های پیامبران خوانده‌اند، در زندگی خود پیاده کنند. هر کس با بیان خود می‌تواند به این فعالیت پاسخ دهد؛ البته محور همه پاسخ‌ها ایستادگی در برابر وسوسه‌های شیطانی است.

ج) مبارزه با عقاید باطل و خرافات: این بخش از درس از این جهت که می‌تواند با زندگی روزمره دانش‌آموز ارتباط ایجاد نماید و زمینه نقد و ارزیابی اندیشه‌های خود و محیط را فراهم آورد از اهمیت دو چندان برخوردار است. برای پردازش این موضوع در زمان پیامبران الهی، مهم‌ترین عقیده باطل یعنی عقیده به «شُرک» مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه مشرکان، خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است اما تدبیر دنیا در اختیار شریکان وی است. شرکای الهی بین اقوام مشرک متفاوت بوده است. ستارگان، ماه، خورشید، بت‌ها و... نمونه‌هایی از این شرکا بوده‌اند. این اقوام با اعتقاد به اینکه خیر و شر دنیایشان وابسته به این مخلوقات است به عنوان منبع خیرات و کاشف مضرات آنها را عبادت می‌کردند.

روش مبارزه پیامبران با این عقیده باطل بخش دوم این موضوع است. این روش‌ها عبارت‌اند از:

۱) عدم اعتقاد پیامبران به شرک و باطل دانستن این عقیده.

۲) ارائه دلایل روشن مبنی بر درست نبودن این اعتقاد.

۳) دعوت مردم به اندیشه‌ورزی و تفکر پیرامون پدیده‌های الهی و همچنین نقد اندیشه‌های پوچ در خصوص توانایی‌های بت‌ها.

در ادامه این موضوع به مهم‌ترین عاملی که سبب تبعیت مردم از عقاید باطل می‌شود توجه شده است؛ یعنی پیروی از کسانی که علم و آگاهی نداشته‌اند (آبا و اجداد). این موضوع در آیات متعددی از قرآن آمده است.

راه‌هایی از بند عقاید باطل مراجعه به کسانی است که دارای «علم الهی» بوده و از منبع دانش و علم یعنی خداوند متعال کسب فیض می‌نمایند. مراجعه به آنها و تبعیت از ایشان راهکار خلاصی از قیود عقاید باطل و خرافه‌هاست.

■ **فعالیت کلاسی :** در این فعالیت دانش‌آموزان به فراخور دانسته‌های خود به موضوعاتی همچون بت پرستی، بی‌ارزش دانستن دختران، نژاد و قوم پرستی و... اشاره می‌کنند.

■ **عکس‌العمل مشرکان در مقابل مبارزه پیامبران :** مشرکان در مقابل دعوت پیامبران به یگانه پرستی و دوری از عقاید خرافی، خرافات دگرگونی را مطرح می‌کردند و با باطل از باطل دفاع می‌کردند. تطییر یا فال بد زدن از جمله این باطل‌ها بود.

وجود عقاید باطل و خرافه و تبعیت از آنها منحصر به زمان خاصی نبوده است و در زمان کنونی نیز با انبوهی از این امور غیرواقع که در میان مردم جهان گسترش یافته و پیروانی دارند روبه‌رو هستیم.

در این درس به برخی از این خرافات اشاره شده که متداول‌ترین آنها در کشور ما همان فال‌گیری است که انواع و اقسام و روش‌های مختلفی دارد. این قسمت دانش‌آموزان را به نکته مهمی توجه داده است و آن اینکه علت گرایش به این خرافات، ضعف ایمان است. اگر انسان ایمان داشته باشد که تدبیر همه امور به دست خداست و گره همه مشکلات به دست او باز می‌شود، به جای مراجعه به فال‌گیر، به خدا و تعلیمات او مراجعه می‌کند تا اولاً اگر مشکلی در روش و نوع زندگی خود دارد، با بهره‌گیری از تعالیم الهی، آن مشکل را رفع کند و ثانیاً از خدا برای حل گره‌های زندگی که حل آن از توان ما خارج است مدد گیرد.

■ **فعالیت کلاسی :** در فعالیت کلاسی خواسته شده است به نمونه‌های دیگری از امور غیرواقع که در محیط پیرامونی خود می‌بینند اشاره نموده و آنها را با ارائه منشأشان نقد نمایند. این فعالیت کمک می‌کند تا دانش‌آموز با توجه به نکات درس به بی‌پایه و اساس بودن این خرافات پی‌برد. همچنین باعث می‌شود تا نسبت به این خرافات حالت تهاجمی گرفته و به راحتی زیر بار آنها نرود.

دانشنی‌های معلم

۱ پاسخ مراجع درباره دعانویسی، فال‌گیری و جن‌گیری

آیت‌الله مکارم شیرازی: «نوشتن دعاهایی که از حضرات معصومین علیهم‌السلام رسیده و در کتب معتبر موجود است، اشکالی ندارد. ولی دعانویسی حرفه‌ای، که شغل افراد سودجوست، صحیح نیست و غالب کتاب‌هایی که به آن استناد می‌کنند، اعتباری ندارد.» ایشان همچنین در خصوص رمالی و فال‌گیری می‌گویند: «بسیاری از مدعیان آن افرادی دروغگو یا خطاکارند و فال‌گیری از خرافات است و گرفتن بول برای گرفتن فال جایز نیست.»

آیت‌الله صافی گلپایگانی: «نوشتن دعاهایی که با دلیل معتبر از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده و اجرت گرفتن در مقابل آن، اشکال ندارد ولی مراجعه به فال‌گیرها یا دعانویسانی که به صورت‌های مختلف از منابعی که اعتبار شرعی ندارد، نقل می‌کنند یا می‌نویسند جایز نیست و بول گرفتن اینگونه اکل مال به باطل و حرام است.»

۲ داستان ۴ سالگی پیامبر ﷺ در خصوص گردن‌بند اهدایی حلیمه

هنگامی که آن حضرت در سن ۴ سالگی در نزد دایه خود، حلیمه، بود، روزی از وی خواست تا برای بیرون بردن گوسفندان به برادران رضاعی خود کمک کند و با آنها به صحرا رود. حلیمه خواهش او را پذیرفت اما قبل از خروج وی، مهره‌ای را به گردن وی آویخت تا او را از خطرات حفظ کند. پیامبری درنگ آن مهره را از گردن بیرون آورد و فرمود: من خدایی دارم که مرا از خطرات حفظ می‌کند (بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲).

۲ علت رو آوردن به خرافات

یکی از علل گرایش انسان‌ها به خرافات، خودخواهی و میرا دانستن خود از خطاها و اشتباهات است. یعنی ما هیچ وقت حاضر نیستیم علت اصلی مشکلات را خودمان بدانیم و در حقیقت خودمان را بالاتر از این می‌دانیم که بخوایم کار اشتباهی انجام دهیم. به همین دلیل مشکلات زندگی خود را گردن دیگران می‌اندازیم. مثلاً به دلیل عدم رعایت مسائل بهداشتی و بی‌توجهی به سلامتی و تندرستی خود، دچار بیماری می‌شویم، آنگاه می‌گوییم در فلان مجلس ما را چشم زدند. یا به دلیل بی‌تدبیری در زندگی خود با مشکلاتی مواجه می‌شویم و فوراً می‌گوییم حتماً برایمان دعا نوشته‌اند یا بخت ما را بسته‌اند و ...

علت دوم گرایش به خرافات، روح تنبلی‌ای است که در برخی وجود دارد. یعنی حال نداریم تا در هنگام بروز مشکلات به سراغ ریشه‌یابی علت آن برویم و به حل مشکل بپردازیم، از همین رو فوراً سریع‌ترین راه را پیدا کرده و همه مشکلات را به گردن روزگار و دیگران می‌اندازیم.

۴ احادیثی در خصوص اعتقاد به فال

■ پیامبر اکرم ﷺ: فال بد زدن نوعی شرک به خداست (بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۲۲).

(در این روایت پیامبر فال بد زدن را با یکتا پرستی متضاد می‌داند؛ زیرا کسی که به عنوان مثال صدای کلاغ یا عدد ۱۳ را به فال بد می‌گیرد و آن را در سرنوشت خود مؤثر می‌داند، در واقع برای خداوند و قدرت او شریک قائل شده است.)

■ پیامبر اکرم ﷺ: از ما نیست کسی که فال بد بزند، یا برایش فال بد زده شود (یعنی به فال بد دیگران

نسبت به خود اعتقاد داشته باشد). (مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۰۳)

■ پیامبر اکرم ﷺ: هنگامی که فال بد زدی اعتنا مکن و به کار خود ادامه بده (محجة البیضاء، ج ۵،

ص ۳۲۵). شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌فرماید: «[طبق سخن پیامبر] اگر در قضیه‌ای به چیزی فال بد زدی، این را به دل خود بد راه نده، برعکس عمل کن. یعنی برعکس اینکه اشخاص وقتی به چیزی فال بد می‌زنند، بعد دنبال آن کار نمی‌روند و مثلاً می‌گویند بدشگون است، به هر چیز که فال بد زدی عمل کن و دنبالش برو» (مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۶۵)

۵ علت پیدایش فکر نحوست برخی از چیزها در ذهن افراد از نگاه شهید مطهری

«... به نظر من دو خاصیتی که در بشر هست، سبب پیدایش فکر نحوست در اشیا و اعداد شده است. یکی اینکه بشر به طور کلی خودخواه است، یک حالت گریز از مرکزی در مسئلهٔ تقبل مسئولیت‌ها دارد، یعنی نمی‌خواهد مسئولیت شکست‌های خودش را متوجه خودش کند. همیشه دنبال این می‌گردد که یک چیز دیگری پیدا کند و بگوید این بدی، این شکست، این بدبختی که پیدا شد، این من نبودم، اشتباه من نبود، جهل و نادانی من نبود که باعث این شکست شد، یک چیز دیگر بود.

خاصیت دیگر روح تبلی است که در انسان می‌باشد. انسان وقتی بخواهد علت قضایا را بفهمد باید از طریق علمی و عقلی کاوش و تفکر و جستجو کند... ولی با خیال، همهٔ قضایا را زود می‌شود حل کرد، اگر در جنگی شرکت کردیم و شکست خوردیم، چنانچه بنا باشد روی اصول دقیق علمی بررسی کنیم که چرا شکست خوردیم، دو ناراحتی دارد: یکی اینکه می‌رسیم به اینکه خودمان مسئول این شکست بودیم، دوم اینکه باید مدت‌ها زحمت بکشیم به خودمان رنج بدهیم تا علت‌ها را به دست بیاوریم، بعد رنج دیگری متحمل شویم تا آن علت‌ها را از میان ببریم و وضع خودمان را اصلاح کنیم...»^۱

منابع برای مطالعهٔ بیشتر

- ۱ داستان پیامبران، موسوی گرمارودی، نشر قدیانی
- ۲ قلمرو پیامبران، احد فرامرز قراملکی، نشر کانون اندیشه جوان
- ۳ مجموعه آفتاب اندیشه (راهنما)، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه
- ۴ سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم، محمدعلی امانی، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام
- ۵ اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، مصطفی عباسی مقدم، نشر بوستان کتاب قم

خورشید پنهان

درس چهارم

هدف کلی

آشنایی با برخی از ویژگی‌های قیام امام زمان

اهداف جزئی

- توصیف برخی از ویژگی‌های دوران ظهور
- آشنایی با برخی از مسائل مهم در خصوص ظهور حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف
- تبیین برداشت درست از انتظار
- تبیین ویژگی‌های منتظر واقعی

ضرورت درس

دانش‌آموزان در خصوص موضوع مهدویت سؤالات زیادی دارند. خصوصاً آنکه به دلیل اثرگذاری بسیار اعتقاد به منجی در فرهنگ شیعی، این موضوع مورد هجوم فراوان دشمنان قرار گرفته است تا این عقیده اثرگذار و امیدبخش به عقیده‌ای سست و تاریک تبدیل شود. از همین رو لازم است تا با بیان حقیقت این عقیده، زیبایی و محکم بودن مبانی آن برای دانش‌آموز مشخص گردد و چهره واقعی آن از لابه‌لای غبار شبهات بیرون آورده شود.

محورهای اصلی درس

- ۱ توصیفی کوتاه از اوضاع جهان پس از تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲ ریشه داشتن اعتقاد به ظهور منجی در تمامی ادیان گذشته
- ۳ نکاتی در خصوص طول عمر آن حضرت

- ۴ مشخص نبودن زمان ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحِيَّتَهُ و کذب بودن ادعاهای مطرح شده در این باره
- ۵ امام زمان برای برقراری عدل و مهربانی قیام می کند نه خونریزی و کشتار
- ۶ عمل به واجبات، پرهیز از گناهان و توجه به حل مشکلات مردم از ویژگی های مهم یاران امام زمان است.
- ۷ ترسیم چهره منتظران واقعی در دوران غیبت

این درس به این پرسش ها پاسخ می دهد :

- ۱ جهان پس از ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحِيَّتَهُ چگونه خواهد بود؟
- ۲ آیا صرفاً ما شیعیان به ظهور منجی اعتقاد داریم؟
- ۳ چگونه ممکن است یک انسان، حدود ۱۲ قرن عمر کرده باشد؟
- ۴ آیا زمان قیام آن حضرت مشخص است؟
- ۵ آیا امام زمان به وقت ظهور، جوی خون راه می اندازد و بیشتر اهل زمین را می کشد؟
- ۶ حکومت آن حضرت چه مدت طول می کشد؟
- ۷ وظایف ما در دوران غیبت چیست؟

روش تدریس

- ۱ قبل از شروع درس می توان از روش زیر استفاده کرد :

قبل از اینکه متن درس را بخوانیم، برای هر سؤال درس (۵ سؤال مطرح شده در متن درس)، جدول های شبیه جدول صفحه بعد، به تعداد گروه ها طراحی کرده و در اختیار گروه ها قرار می دهیم؛ یا اینکه روی تابلو کشیده و از گروه ها می خواهیم که هر جدول را در برگه ای جداگانه برای خود رسم کنند. سپس از گروه ها می خواهیم در زمان تعیین شده به سؤالات جدول پاسخ دهند. بعد از اتمام وقت از نماینده هر گروه می خواهیم پاسخ های اعضا را در مورد سؤال بیان کند و ما آنها را تأیید و یا تصحیح می کنیم و توضیحات لازم را می دهیم. به همین ترتیب سؤالات مربوط به درس توسط دانش آموز و معلم پاسخ داده می شود. پس از پایان این کار به سراغ کتاب می رویم و متن کتاب را با کمک دانش آموزان می خوانیم. این روش کمک می کند تا دانش آموز با توجه به پاسخ هایی که خود به سؤالات داده است، نسبت به پاسخ کتاب به سؤالات، حساس و دقیق شود تا میزان انطباق پاسخ های خود با کتاب را بسنجد.

سؤال ۱: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف چگونه نزدیک به ۱۲ قرن عمر کرده است؟

پاسخ عضو شماره ۱
پاسخ عضو شماره ۲
پاسخ عضو شماره ۳
پاسخ عضو شماره ۴
پاسخ عضو شماره ۵

سؤال ۲: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف چه زمانی قیام می‌کنند؟

پاسخ عضو شماره ۱
پاسخ عضو شماره ۲
پاسخ عضو شماره ۳
پاسخ عضو شماره ۴
پاسخ عضو شماره ۵

۲ در روش دیگر قبل از آغاز درس، از دانش‌آموزان می‌خواهیم مهم‌ترین سؤال‌های خود درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را مطرح کنند و تعدادی از این سؤالات را بر روی تخته یادداشت می‌کنیم. (خواهید دید که اکثر سؤالات دانش‌آموزان همین سؤالاتی است که درس به آنها پاسخ داده است.) سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم درباره پاسخ این سؤالات به بحث و گفت‌وگو بپردازند. این روش ذهن دانش‌آموز را برای یادگیری و فهم بهتر مطالب درس آماده می‌کند.

۳ می‌توان از گروهی از دانش‌آموزان خواست تا شعر یا سرودی را تمرین کنند و در کلاس ارائه دهند. همچنین می‌توان از سرودها و اشعاری که در نرم‌افزار بر فراز آسمان در خصوص امام زمان آمده است، برای بخش در کلاس استفاده کرد.

۴ عنوان درس نیز می‌تواند به آمادگی ذهنی دانش‌آموز برای ورود به درس کمک کند. از دانش‌آموزان بپرسیم که منظور از خورشید پنهان چیست؟ این تعبیر در مورد چه کسی به کار می‌رود؟ چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف خودشان را به خورشید پشت ابر تعبیر کرده‌اند؟

دانش‌آموزان نکات زیبایی در خصوص این تشبیه بیان خواهند کرد. ما نیز می‌توانیم به کمک آنها آمده و برخی از وجوه این تشبیه را بیان کنیم:

الف) پشت ابر ماندن خورشید موقتی است و پس از مدتی خورشید نمایان می‌شود، امام نیز پس از مدتی غیبت ظهور خواهند کرد.

ب) خورشید در حالت پشت ابر نیز زمین را از تاریکی مطلق حفظ می کند و از سرد شدن آن جلوگیری می کند و بخشی از فواید خود را به موجودات می رساند؛ امام نیز در دوران غیبت زمین را از نابودی معنوی حفظ می کند، افراد مستعد را یاری می رساند و

ج) ابر، خورشید را از دید کسانی که در زمین هستند می پوشاند نه کسانی که برفراز ابر حرکت می کنند؛ غیبت نیز خاص کسانی است که به دنیا و آنچه در آن است دل بسته اند اما کسانی که در آسمان معنویت سیر می کنند امکان بهره مندی از حضور ایشان را دارند.

۵ در بخش «منتظران حقیقی» می توان به دانش آموزان گفت که بچه ها! دوست دارید در این سن دانشجو شوید؟ یک دانشگاهی از بین شماها دانشجو می پذیرد! چه کسی می خواهد دانشجوی این دانشگاه شود :

* اطلاعیه مهم *

برگزاری آزمون دانشگاه انتظار فرج

دانشگاه انتظار فرج، بعد از ۱۴۰۰ سال همچنان دانشجو می پذیرد.

با ابراز تأسف این دانشگاه هنوز ۳۱۳ فارغ التحصیل نداشته و برای تکمیل ظرفیت در تمام مدت

شبانه روز، از علاقه مندان آزمون به عمل می آورد :

مدارک لازم برای ثبت نام :

۱ انجام واجبات و ترک محرمات

۲ عشق به اهل بیت علیهم السلام

۳ راستگویی

۴ برگه تسویه حساب حق الناس

۵ نماز اول وقت

۶ کمک به مستمندان

۷ رعایت حیا و عفاف

۸

۹

«با آرزوی موفقیت تان در این آزمون بزرگ»

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه: در این قسمت سعی شده تا به صورت مختصر توصیفی از اوضاع جهان پس از به حکومت رسیدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان و وضعیت جهان در عرصه‌های فرهنگی، اخلاقی، علمی، اقتصادی، سیاسی و محیط‌زیست در دوران پس از ظهور توصیف شود:

- علمی: علم و دانش چنان شکوفا شده که تمام ...
- اقتصادی: مردم به دنبال فرد مستمندی می‌گردند تا صدقه‌ای به او بدهند.....
- اخلاق: حرص و طمع و ثروت اندوزی از میان جامعه رخت بر بسته است.
- سیاسی: خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست.
- فرهنگی: دادگاه‌ها و زندان‌ها دیگر شلوغ نیست.

■ فعالیت کلاسی: در این قسمت دانش‌آموزان با توجه به دانسته‌های خود سعی می‌کنند تا توصیفی از زمان ظهور در عرصه‌های مختلف داشته باشند. مثلاً مردم چگونه با هم رفتار خواهند کرد. فروشنده‌ها، کارمندان و... چه تغییری در رفتار خود خواهند داشت؟ زنان جامعه در این دوران از لحاظ اخلاق و رفتار چگونه خواهند بود و...

■ عقیده‌ای اثرگذار: این بخش بر دو نکته تأکید دارد. اول اینکه اعتقاد به ظهور، تأثیر فراوانی بر شیعیان داشته و باعث شده است تا در سخت‌ترین شرایط نیز در برابر مشکلات ایستادگی کنند زیرا آنان مطمئن بودند که در پس این مشکلات دوران روشنی وجود دارد که همه این سختی‌ها زمینه‌ساز و مقدمه آن دوران است. بر همین اساس شیعیان هیچ‌گاه در برابر فشارها و سختی‌هایی که از سوی حاکمان زمان خود به آنان وارد می‌آمد، سر تسلیم فرو نمی‌آوردند و جانانه ایستادگی می‌کردند.

دوم اینکه، اعتقاد به ظهور منجی اختصاص به شیعیان ندارد. در میان مسلمانان هم شیعه و هم اهل سنت به ظهور موعود اعتقاد دارند و نام ایشان را هم «مهدی» گفته‌اند. با این تفاوت که برخی از اهل سنت معتقدند که این موعود هنوز به دنیا نیامده است. استناد آنان به احادیثی است که از پیامبر نقل شده و ایشان فرموده است که «مهدی» بعداً به دنیا خواهد آمد. روشن است که کلمه «بعداً» به بعد از عصر پیامبر مربوط است. از این جهت این احادیث با اعتقاد شیعه سازگار است.

در میان سایر ادیان نیز اعتقاد به موعود وجود دارد. یعنی توسط حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام و نیز در دین زرتشت وعده ظهور منجی داده شده است. منشأ اختلاف در مصداق موعود، به اصل اختلاف ادیان بازمی‌گردد. همان‌طور که خداوند دین واحدی فرستاده است، موعود نهایی و جهانی همه پیامبران نیز یک نفر بیشتر نخواهد بود و نمی‌شود خداوند چند موعود به مردم معرفی کند. بنابراین، اگر مثلاً پیروان حضرت موسی به حضرت عیسی ایمان می‌آوردند و نیز اگر پیروان حضرت موسی و عیسی دعوت رسول خدا را می‌پذیرفتند،

تعدد ادیان ایجاد نمی‌شد و به همین ترتیب تعدد موعود نیز اتفاق نمی‌افتاد. پس همان‌طور که دین الهی واحد است، موعود الهی هم واحد است. دانستن این نکته پذیرش این عقیده را برای مخاطبان آسان می‌کند زیرا متوجه می‌شوند که این عقیده مختص یک گروه نیست بلکه حقیقتی است جهانی و فراگیر.

سوالات

■ سؤال اول:

در تبیین امکان طول عمر آن حضرت دو پاسخ داده شده است. یک پاسخ، امکان طول عمر انسان را از منظر آیات قرآن بررسی کرده است و دیگری به بیان امکان طول عمر انسان از نظر دانش پزشکی پرداخته است. در تکمیل پاسخ اول می‌توان به آیه ۲۵۹ سوره بقره و داستان عزیر اشاره کرد. بر اساس این آیه، غذای عزیر پس از گذشت صد سال به خواست خدا هیچ تغییری نکرده بود، در حالی که به طور طبیعی می‌بایست پس از چند روز فاسد می‌شد. هر صد سال برابر ۵۲۰۰ هفته است و خداوند غذایی که فقط یک هفته سالم می‌ماند را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی‌اش سالم نگاه داشت. یعنی خداوند عمر غذا را افزایش داده است. حالا عمر طبیعی انسان مثلاً ۷۰ سال است، ۵۲۰۰ برابر ۷۰ چقدر می‌شود؟ خدایی که می‌تواند غذا را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی بدون تغییر حفظ کند، می‌تواند انسان را هم برای قرن‌ها حفظ کند. با این حساب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عمری نکرده است. عمر ایشان الان حدوداً ۱۲۰۰ سال است. یعنی حدود ۱۶ برابر عمر انسان معمولی عمر کرده است.

همچنین می‌توان از مثال صورت نیز استفاده کرد؛ یعنی بگوییم در صورت ما مژه ثابت است و بعد از هشتاد سال یک اندازه می‌ماند اما کمی پایین‌تر از آن ریش قرار دارد که هر روز در حال رشد است و در هفته چند بار باید اصلاح شود و کمی آن طرف‌تر موی سر است که هر ماه نیاز به اصلاح دارد. یعنی در یک پوست و یک گوشت، یک مو ثابت است و یک مو متغیر. همان‌طوری که یک مو را ثابت نگه می‌دارد و یک مو را متغیر، یک انسان را ثابت نگه می‌دارد و باقی انسان‌ها را متغیر.

■ سؤال دوم:

در این بخش به سه مسئله مهم توجه داده شده است :

اول: قسمت اول پاسخ به این سؤال به منظور جلوگیری از برخی سوء استفاده‌ها از باورها و اعتقادات مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته شده است، چرا که متأسفانه برخی افراد شیاد و سودجو که به دنبال جمع کردن مرید برای خود می‌باشند، خود را به عنوان رابط امام زمان معرفی کرده و ادعا می‌کنند که توسط خود امام از زمان ظهور آن حضرت مطلع گشته‌اند. از همین جهت باید به دانش‌آموزان بگوییم که چنین ادعاهایی دروغ بوده و زمان ظهور آن حضرت امری مخفی است.

دوم: در قسمت بعدی این نکته بیان شده است که هر زمان که شرایط و زمینه‌های ظهور فراهم شود، آن امام ظهور خواهند کرد و گفته شده که یکی از مهم‌ترین این شرایط آمادگی مردم برای همراهی با امام است. بنابراین، ما می‌توانیم در جلو انداختن ظهور آن حضرت اثرگذار باشیم. یعنی خود و جامعه خود را برای یاری و همراهی امام آماده کنیم زیرا تا مردم آماده نباشند و شرایط برای ظهور ایشان فراهم نباشد، آن حضرت از پرده غیبت بیرون نخواهند آمد.

سوم: در بخش پایانی این قسمت یکی دیگر از شرایط ظهور آن حضرت بیان شده است و آن وجود یارانی با وفا و آماده است. یارانی که تا پای جان آماده ایستادن در راه آرمان‌های امام خود باشند. در این قسمت مناسب است تا با ایجاد حس عاطفی به دانش‌آموزان بگوییم که تک تک آنها می‌توانند لیاقت یاری آن حضرت را داشته باشند به شرط اینکه رفتار و اخلاق خود را در حد و اندازه یار امام زمان بکنند و با پاکی و صفای قلب به استقبال آن حضرت روند.

■ سؤال سوم:

برخی وقتی به توصیف قیام امام زمان می‌پردازند، آن‌چنان چهره ترسناک و سراسر جنگ و خون‌ریزی از قیام آن حضرت توصیف می‌کنند که مخاطب دچار رعب و وحشت می‌شود و از این قیام تصویری منفی پیدا می‌کند. از این رو باید مراقب بود که در بیان ویژگی‌های قیام امام زمان، به روایات ضعیف اتکا نکنیم و ذهن نوجوانان را با برخی گفته‌های ضعیف از حقیقت شیرین قیام دور نسازیم. امام زمان برای جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی ای می‌آید که ظالمان و مستکبران در جهان به پا کرده‌اند و اگر خونی نیز توسط ایشان ریخته شود، خون همین افراد است.

■ **فعالیت کلاسی:** در این فعالیت دانش‌آموزان باید بر این نکته تأکید کنند که ارائه چهره‌ای خشن از امام زمان و قیام او قطعاً با هدف تخریب قیام مقدس آن حضرت صورت می‌گیرد تا مردم با ترس از ایشان، هیچ‌گاه انتظار قیام ایشان را نکشند و برای فراهم نمودن زمینه‌های ظهور تلاشی نکنند. القای خشونت و وحشت برای قیام عدالت جویانه امام زمان که از سوی برخی فیلم‌های ساخته شده در غرب دنبال می‌شود، تنها با هدف منزجر کردن مردم از امام زمان و قیام وی صورت می‌گیرد.

■ سؤال چهارم:

برخی از افراد گمان می‌کنند که پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان به پایان رسیده و قیامت برپا می‌شود و از این رو از قیام ایشان واهمه دارند و آن را مصادف با پایان جهان می‌دانند. در این قسمت به این شبهه پاسخ داده شده است تا دانش‌آموز بداند که پس از قیام، تازه دوران صلح و آرامش آغاز می‌شود و این دوران ممکن است آن قدر طولانی باشد که همه عمر بشر از آدم تا روز ظهور در برابر دوران پس از ظهور ساعتی بیش نباشد.

■ سؤال پنجم :

در این قسمت باید به سه نکته مهم توجه کرد :

اول : برخی از دانش آموزان گمان می کنند که یاران امام زمان تنها ۳۱۳ نفرند، در حالی که این تعداد تنها مربوط به یاران نزدیک و یا به تعبیری فرماندهان اصلی ایشان است اما به غیر از این تعداد، افراد بی شماری نیز برای یاری آن حضرت به پا می خیزند.

دوم : دانش آموز باید به درک این مطلب برسد که او هم اگر همت کند و به واجبات دین خود عمل کند، می تواند یکی از یاران آن حضرت باشد. این قسمت از درس فرصتی است برای ایجاد انگیزه های درونی در دانش آموزان تا احساس کنند که می توانند با قدری تلاش و همت در زمره دوستان و یاران آن حضرت قرار گیرند.

سوم : دانش آموز باید به این نکته پی ببرد که معنای یاری کردن امام و یاور ایشان بودن، صرفاً به معنای حضور در زمان قیام آن حضرت نیست؛ بلکه هر کس که با اعمال و رفتار خود دل امام زمان را شاد کند و در جهت پیاده کردن آرمان های امام تلاش کند، قطعاً جزو دوستان و یاران امام خواهد بود، حتی اگر عمرش به زمان ظهور نرسد.

■ **فعالیت کلاسی :** با توجه به آنچه که دانش آموزان در درس خوانده اند، به این نتیجه رسیده اند که قرار گرفتن در جمع یاران امام زمان در گروهی عمل به واجبات دین و پرهیز از گناهان است. از این رو باید برنامه ای برای زندگی خود در نظر بگیرند که در آن سعی در عمل به دستورات دین داشته باشد. یار امام زمان به نماز اهمیت فراوان می دهد، از سخنان زشت پرهیز می کند، ظاهری در شأن انسان مسلمان دارد، نگاه خود را از حرام باز می دارد و ...

■ **منتظران حقیقی :** لازم است تا همکاران محترم در این قسمت، ویژگی های منتظران واقعی را تبیین کنند و توضیح دهند که جامعه منتظر، جامعه ای نیست که دست روی دست بگذارد و در خانه بنشیند تا مهمان بیاید، بلکه به خانه می رود و خانه را آماده می کند. جامعه منتظر یک جامعه فعال است و خود را آماده پذیرایی از موعود می کند، چنین اشخاصی خانه دل را از غبار گناهان پاک می کنند و دل را با عمل صالح زینت می دهند و به امام عصر نشان می دهند که توانایی یاری و پشتیبانی ایشان را دارند.

متأسفانه برخی گرایشات غلط در جامعه ما وجود دارد که یار و منتظر امام زمان را کسی معرفی می کند که فقط محبت و یاد امام را در دل دارد و برای تعجیل در ظهور دعا می کند، صلوات می فرستد، نماز می خواند اما در عمل و سبک زندگی خود، امام زمان پسند زندگی نمی کند.

نکته بعد اینکه کسی که در شب منتظر خورشید است با این بهانه که فردا خورشید طلوع خواهد کرد، در تاریکی به سر نمی برد، بلکه برخاسته و چراغی روشن می کند. در زمستان که منتظر بهاریم از سرما به خود نمی لرزیم، بلکه با روشن کردن بخاری به سراغ گرما می رویم. پس نمی توان با این ادعا که قرار است

امام‌زمان ظلم و فساد را از میان بردارد، ما هیچ اقدامی جهت مبارزه با ظلم و اصلاح جامعه بر نداریم.

دانستنی‌های معلم

۱ شعری در خصوص ویژگی منتظر:

فرض کن حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌به‌تو‌ظاهر‌گردد به تو ظاهر گردد،
 ظاهر هست چنانی که خجالت نکشی؟
 باطنت هست پسندیده صاحب نظری؟
 خانه‌ات لایق او هست که مهمان گردد؟
 لقمه‌ات در خور او هست که نزدش ببری؟
 پولی بی‌شبهه و سالم ز همه دارایت
 داری آن قدر که یک هدیه برایش بخری؟
 حاضری گوشی همراه تو را چک بکند؟
 با چنین شرط که در حافظه دستی نبری؟!
 واقفی بر عمل خویش تو بیش از دگران؟
 می‌توان گفت تو را شیعه اثناعشری؟؟

۲ برخی‌ها می‌گویند چون قرار است امام زمان بیاید و عدالت را برقرار کند، پس دیگر نیاز نیست که ما برای برقراری صلح و عدالت و اقامه دین خدا قیام کنیم! در پاسخ به چنین افرادی می‌توانیم از مثال‌های زیر استفاده کنیم:

آیا شب که می‌شود، چون قرار است فردا خورشید طلوع کند، پس دیگر لازم نیست در شب تاریک چراغ روشن کنیم؟! یا اینکه در شب، با اینکه منتظر طلوع خورشید هستیم، برمی‌خیزیم و چراغ یا شمعی روشن می‌کنیم. پس انتظار نور معنایش این نیست که در تاریکی بنشینیم و یا در زمستان منتظر گرمای بهاریم اما معنایش این نیست که بنشینیم و بلرزیم و وسیله گرمایشی روشن نکنیم. و یا یک بیمار را در نظر بگیرید، بیمار منتظر چیست؟ منتظر سلامتی است. اما آیا او همین‌طور در بستر بیماری می‌خوابد تا سلامتی را باز یابد؟ یا اینکه دکتر می‌رود و دارو می‌خورد. انتظار سلامتی معنی‌اش این نیست که مثل لاشه بیفتیم تا سالم شویم.

یاران موعود

چرا منتظر مانده چشم امام	چرا یاوری نیست بهر قیام
کجایند یاران صاحب زمان	همان منجیان نهان جهان
ز ظلم و گناه و فساد و جنون	جهان مسلخ مردمانست کنون
بیاید تا ما همه، هم صدا	نماییم بهر ظهورش دعا
همه یکدل و مؤمن و پرتوان	خداجوی و فرمانبر و مهربان
همه یار موعود، بی ادعا	سلحشور پرشورِ راه خدا

روزبه کهنمونی

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ عصر ظهور، علی کورانی، شرکت چاپ و نشر بین الملل
- ۲ آشتی با امام زمان، محمد شجاعی، نشر محیی
- ۳ دولت مهدی، سیرت مهدی، دلشاد تهرانی، انتشارات دریا
- ۴ غرب و آخر الزمان، شفیع سروستانی، نشر هلال
- ۵ جاهلیت مدرن، موعود عصر، شفیع سروستانی، نشر موعود
- ۶ نگین آفرینش، جمعی از مؤلفان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَ الشَّرِيفِ

رهبری در عصر غیبت

درس پنجم

هدف کلی

آشنایی با چرایی و چگونگی رهبری در عصر غیبت و رهبران و راهنمایان دین در این عصر

اهداف جزئی

- فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- چگونگی رهبری و هدایت مردم در دوران غیبت
- آشنایی با گوشه‌ای از شخصیت امام خمینی علیه السلام به عنوان یکی از هدایتگران عصر غیبت

ضرورت درس

در درس قبل دانش‌آموزان با برخی موضوعات پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور ایشان و ویژگی‌های حکومت‌ها در دوران ظهور آشنا شدند. اکنون ممکن است این پرسش‌ها برای دانش‌آموزان مطرح شود که قبل از ظهور آن حضرت، جامعه چگونه می‌تواند در مسیر قوانین الهی حرکت کند و مردم چگونه می‌توانند پاسخ سؤالات و پرسش‌های دینی خود را دریافت نمایند؟ چه کسی در این دوران بایستی بر اجرای قوانین دین نظارت کند؟ چه کسی می‌تواند میان مردم قضاوت کند؟ چه کسی قرار است مردم را در دفاع از دین و کشور بسیج نماید؟ در این درس، از عالمان دین به عنوان کسانی یاد شده است که می‌توانند محل رجوع مردم باشند و در رأس این عالمان، ولی فقیه قرار دارد که متولی اجرای احکام در سطح جامعه است.

محورهای اصلی درس

- ۱ تبیین شرایط سخت زندگی امامان در عصر خویش
- ۲ غیبت امام دوازدهم به علت آماده نبودن جامعه برای پذیرش ایشان
- ۳ تأکید امام صادق علیه السلام بر مراجعه مردم به علمای دین در هنگام عدم دسترسی به امام

- ۴ ویژگی‌ها و شرایط علمای دین در کلام امام صادق علیه السلام
- ۵ عمل کردن به دستورات امامان در عصر غیبت در قالب عمل کردن به فتوا و دستورات فقها
- ۶ آشنایی با برخی از ویژگی‌های امام خمینی علیه السلام به عنوان یکی از هدایتگران عصر غیبت

این درس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد :

- ۱ دلیل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟
- ۲ در دوران غیبت هدایت و رهبری جامعه اسلامی برعهده کیست؟
- ۳ آیا هر عالم دینی می‌تواند هدایتگر مردم در عصر غیبت باشد؟
- ۴ آیا ولایت فقیه، مسئله جدیدی است یا برگرفته از تعالیم امامان معصوم علیهم السلام است؟

تحلیل اجزای درس

■ ورودیه: یکی از سؤالات جدی دانش‌آموزان در خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چرایی غیبت ایشان است. این ورودیه به دنبال تبیین این نکته است که علت غیبت آن حضرت، قدرشناسی جامعه بود. از یک سو حاکمان جامعه در آن دوران از هیچ اقدامی برای تحت فشار قرار دادن ائمه دریغ نمی‌کردند و از سوی دیگر مردم نیز وظیفه خود را در تبعیت از امام انجام نمی‌دادند و در مواقعی حتی به مخالفت با آنان نیز اقدام می‌کردند. این ورودیه با نگاهی گذرا به شرایط آن زمان، نمونه‌های قدرشناسی جامعه آن دوران را بیان می‌کند:

امام حسن علیه السلام و ادار به صلح می‌شود، امام حسین علیه السلام با وجود اعلام حمایت هجده هزار نفر از مردم کوفه، با ۷۲ نفر از یارانش به شهادت می‌رسد و امامان بعدی نیز با دسیسه حکومت به زندان می‌افتند و در نهایت همگی به شهادت می‌رسند. حتی امامان نهم، دهم و یازدهم علیهم السلام در سنین جوانی، شهید شدند.

با این شرایط قطعاً اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غائب نمی‌شدند، ایشان نیز به شهادت می‌رسیدند. پس در این موقعیت، بهترین راه، غیبت از دیدگان است تا هنگامی که جامعه آمادگی و ظرفیت لازم را برای حضور ایشان پیدا کند. برای تبیین بهتر این مسئله، شاید ذکر این مثال مفید باشد:

فرض کنید که شهرداری منطقه‌ای برای ایجاد روشنایی در یک محل، در آنجا چراغ برق قرار دهد. اما افراد شرور آن محل، چراغ را بشکنند. شهرداری برای بار دوم چراغ دیگری نصب می‌کند، اما باز توسط همان عده شکسته می‌شود. این کار برای بار سوم و چهارم نیز ادامه می‌یابد اما هر بار این چراغ شکسته می‌شود. به نظر شما آیا شهرداری حق ندارد اعلام کند که تا وقتی این وضعیت ادامه دارد، در این مکان چراغی نصب نمی‌کنیم؟ خداوند نیز برای هدایت مردم امامان را فرستاد؛ اما دستگاه ظلم و جور آن دوران یکی پس از دیگری آنها را به شهادت رساند و خداوند به همین دلیل امام دوازدهم را از نظرها پنهان کرد تا جامعه شرایط لازم را برای

حضور ایشان به دست آورد و تا وقتی این شرایط و شایستگی ایجاد نشود آن حضرت ظهور نخواهند کرد.



در بخش دوم درس، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان در مسئله قضاوت که یکی از شئون حکومت است، رجوع به کسانی که عالم به مسائل دین نباشند را رد می‌کنند و از مردم می‌خواهند که حتماً در حل مسائل و مشکلات خود به فقیهان مراجعه کنند.

در این قسمت دو نکته را لازم است برای دانش‌آموزان تبیین کنیم:

۱) حدیث امام صادق علیه السلام به خوبی نشان می‌دهد حتی در زمان حضور امام معصوم، چون همه مردم به آن بزرگواران دسترسی نداشتند، امامان مردم را به شاگردان مکتب خود ارجاع می‌دادند. پس وقتی در زمان حضور باید به علما و فقها مراجعه کرد، در زمان غیبت به طریق اولی باید به علمای دین مراجعه کنیم.

۲) طبق سخن امام، حکم و فتوای فقهای دین، همانند حکم و دستور امام است و کسی که از حکم و فتوای فقها سرپیچی کند، در اصل از دستور امام و بالاتر از آن از دستور خداوند سرپیچی کرده است.

■ **فعالیت کلاسی:** این فعالیت به دنبال بیان این نکته است که هر عالم دینی نمی‌تواند وظیفه هدایت مردم را برعهده بگیرد، بلکه عالمان دین بایستی عاملان دین هم باشند که طبق حدیث، بایستی پرهیزکار باشند و از دین خود محافظت کنند و همچنین تابع هوای نفس خود نباشند و تنها از دستورات الهی پیروی کنند. از این رو، دانش‌آموز باید بداند که صرف اینکه کسی لباس دین بر تن کند، کتاب بنویسد و بر بالای منبر به موعظه پردازد، دلیل بر این نیست که می‌تواند هدایتگر مردم باشد، بلکه شرط اصلی این است که رفتارهای این فرد براساس دستورات الهی باشد.



بخش بعدی به دنبال تأکید مجدد بر این نکته است که طبق حدیث امام صادق علیه السلام مخالفت با رأی و حکم فقها در مسائل دینی، در حقیقت مخالفت با حکم امام معصوم است. پس نمی‌شود کسی ادعای پیروی از امامان را داشته باشد اما در مسائل دینی، خود را موظف به تبعیت از احکام فقهی نداند.

در قسمت دوم این بخش، بحث ولایت فقیه مطرح شده است. ساده‌ترین دلیل برای اثبات ولی فقیه این است که بالاخره جامعه‌ای نیاز به حاکم دارد، زیرا بدون مدیر و رهبر دچار هرج و مرج می‌شود. حاکم جامعه اسلامی علاوه بر داشتن ویژگی‌های مدیریتی همچون شجاعت، مدبر بودن، توانایی و...، باید اسلام‌شناس نیز باشد چون رهبری جامعه اسلامی را برعهده دارد و در میان اسلام‌شناسان باید داناترین، باتقواترین و آگاه‌ترین آنان نسبت به مسائل و حوادث جهان انتخاب شود و ولایت فقیه چیزی جز این نیست.

■ **بیدارگر قرن:** این بخش به دنبال ترسیم بخشی از ویژگی‌های امام خمینی علیه السلام به عنوان یکی از فقها و عالمان راستینی است که توسط امامان معصوم به عنوان هدایتگران عصر غیبت معرفی شده‌اند.

وژگی‌هایی که در این قسمت بیان شده است در حقیقت ارائه نمونه و مصداق برای حدیث امام صادق (علیه السلام) است که مردم را به تبعیت از فقیهانی فرا خواندند که پرهیزکار و مطیع دستورات الهی هستند. سعی شده شخصیت امام خمینی (علیه السلام) این بار از زبان ناظران بیرونی بیان شود زیرا دانش‌آموزان تاکنون از زبان یاران و نزدیکان امام، مطالب زیادی در خصوص ایشان شنیده‌اند و لازم است تا از نگاه یک غیرایرانی با گوشه‌ای از شخصیت ایشان آشنا شوند تا بدانند که وی حتی برای غیرایرانی‌ها و غیرمسلمانان نیز شخصیتی عظیم و اثرگذار بود.

دانستنی‌های معلم

۱ آیا ولی فقیه معصوم است؟

روشن است در میان معتقدان به ولایت فقیه هیچ‌کس معتقد به عصمت ولی فقیه نبوده و حتی چنین ادعایی نکرده است، زیرا ما معتقدیم فقط پیامبران، حضرت زهرا و امامان (علیهم السلام) معصوم‌اند.

اکنون سؤال این است که با توجه به عدم عصمت ولی فقیه و احتمال خطا و اشتباه در او، آیا این احتمال مانع اطاعت از وی می‌گردد؟

به نظر می‌آید چنین ملازمه‌ای وجود ندارد یعنی چنان نیست که اگر کسی معصوم نبود، اطاعت او لازم نباشد. اگر به سیره عملی شیعیان توجه کنیم، می‌یابیم آنها بی‌چون و چرا از مراجع، تقلید می‌کرده‌اند و به فتوای آنان عمل می‌نموده‌اند، در حالی که هیچ‌کس معتقد به عصمت مراجع نبوده، بلکه با تغییر فتوای مرجع می‌فهمیدند نه تنها او عصمت ندارد، که قطعاً اشتباه هم کرده است، زیرا یا فتوای پیشین او خطا بوده یا فتوای جدیدش. همچنین از اختلاف فتاوای مراجع معلوم می‌شود بعضی از آنان دچار خطا در فتوا شده‌اند، ولی با این حال هیچ‌کس اندک تردیدی در وجوب تقلید از مراجع ندارد.

اگر به روش خردمندان در زندگی توجه کنیم، می‌یابیم آنان در مواردی، اطاعت را ضروری می‌دانند، گرچه دستور دهنده را معصوم نمی‌دانند.

فرض کنید فرماندهی در جنگ به سربازان خود دستوری بدهد؛ اگر سربازان بخواهند به استناد اینکه احتمال دارد فرمانده خطا کند، از دستورش سرپیچی نمایند، آیا کار جنگ سامان خواهد گرفت؟ آیا اقدام و حرکتی صورت می‌گیرد؟ آیا شکست این گروه حتمی نیست؟ پس تبعیت نکردن چنان‌زیانی دارد که با ضرر ناشی از پیروی از دستور اشتباه قابل مقایسه نیست. به عبارت دیگر اطاعت از فرمانده چنان منافی دارد که با ضرر اندک ناشی از پیروی یک مورد دستور اشتباه قابل مقایسه نیست. همچنین زمانی که به پزشک متخصص مراجعه می‌کنید، آیا احتمال خطا در تشخیص او می‌دهید؟ با وجود چنین احتمالی از مراجعه به پزشک چشم نمی‌پوشید.

اطاعت نکردن از حاکم موجب هرج و مرج و اختلال نظام جامعه می‌گردد. در تمام موارد مذکور روش خردمندان اعتنا نکردن به احتمالات ضعیف به هنگام عمل است. حال اگر به خصوصیات ولی فقیه توجه کنیم و در نظر داشته باشیم که حاکم اسلامی همیشه در هر کاری با صاحب نظران و متخصصان مشورت می‌کند و بعد تصمیم می‌گیرد و مردم هم وظیفه دارند از خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی برای حاکم شرعی مضایقه نکنند، احتمال خطا تا حد بسیاری کاهش می‌یابد و دیگر معقول نیست از دستورهای او سرپیچی کنیم.

۲ توضیح دو اصطلاح «مرجع تقلید» و «ولایت فقیه»

مرجع، از کلمه رجوع گرفته شده است و به معنی کسی است که به او رجوع می‌کنند. مردم به فقیه رجوع می‌کنند تا احکام دینی خود را از او بپرسند. البته این رجوع به این صورت نیست که همه مردم به محل زندگی فقیه بروند و حضوری از وی بپرسند؛ این رجوع می‌تواند استفاده از کتاب «توضیح المسائل» باشد، می‌تواند سؤال از روحانی محل باشد که نظرات فقیه را می‌داند، می‌تواند از طریق تلفن به دفتر فقیه باشد و یا مراجعه به وب‌گاه آن مرجع.

تقلید نیز به معنی پیروی کردن است؛ پیروی از نظرات فقیه درباره نماز، روزه، خمس، امر به معروف و نهی از منکر و سایر احکام دینی.

ولایت نیز به معنی سرپرستی و اداره کردن است. فقیه‌ای که اداره جامعه را بر عهده دارد و دستورات او در جامعه اجرا می‌شود «ولی فقیه» نام دارد.

۳ منشأ اختلاف فتوای مراجع

یکی از سؤال‌هایی که دانش‌آموزان دارند، علت اختلاف در فتوای مراجع است. آنها می‌گویند اگر منبع فتوای علما، کتاب قرآن و احادیث معصومین است، چرا اختلاف نظر پیش می‌آید؟ در این مورد توجه دانش‌آموزان را به چند نکته جلب می‌کنیم:

الف) مجتهدان با ائمه اطهار علیهم‌السلام در بیان احکام دین، تفاوت دارند. معصومین علیهم‌السلام براساس علم الهی احکام را بیان می‌کنند برای همین حکم آنان یقینی است و اختلافی هم در میان آنها نیست. اما مجتهدان براساس تفکر و اندیشه خود حکم می‌کنند، بنابراین احتمال خطا وجود دارد؛ همان‌طور که احتمال خطا و اشتباه در نظر پزشک یا هر متخصصی هست.

ب) مجتهدان در تلاش علمی خود، به قرآن و احادیث مراجعه می‌کنند؛ آیات و احادیث را کنار هم می‌گذارند و با قواعدی که در اختیار دارند، درباره آن آیات و احادیث می‌اندیشند و نظر خود را ابراز می‌کنند. در اینجا ممکن است مجتهدی به یک نتیجه و مجتهد دیگر به نتیجه دیگر برسد.

ج) یکی از منابعی که مجتهدان استفاده می کنند، کتاب های حدیث است. مجتهدان هنگام مراجعه به این کتاب ها می کوشند که احادیث معتبر را از غیر معتبر جدا کنند و از احادیث معتبر کمک بگیرند. در اینجا نیز ممکن است مجتهدان اختلاف نظر پیدا کنند و حدیثی از نظر یک فقیه معتبر و از نظر مجتهد دیگر، غیر معتبر تلقی شود.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ ولایت فقیه به زبان ساده، جواد محدثی، نشر بوستان کتاب.
- ۲ پیشینه تاریخی ولایت فقیه، احد جان بزرگی، نشر کانون اندیشه جوان.
- ۳ ولایت فقیه، هادوی تهرانی، کانون اندیشه جوان.
- ۴ نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، مصباح یزدی، نشر مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
- ۵ نسیم اندیشه (دفتر سوم)، جوادی آملی، نشر اسراء.

وضو، غسل و تیمم

درس ششم

هدف کلی

آشنایی با برخی از احکام وضو، غسل و تیمم

اهداف جزئی

- آشنایی با موارد وجوب وضو
- آشنایی با شرایط وضوی صحیح
- آشنایی با شیوه انجام غسل
- آشنایی با موارد وجوب تیمم
- یادگیری شیوه انجام تیمم

ضرورت درس

دانش‌آموزان در پایه دوم ابتدایی با شیوه گرفتن وضو آشنا شده‌اند. در پایه پنجم و هفتم نیز شیوه انجام غسل را یاد گرفته‌اند. همچنین در پایه چهارم چگونگی انجام تیمم را آموخته‌اند. در این کتاب سعی بر این است که برخی مطالب بیان نشده در خصوص وضو که مربوط به شرایط صحت وضو می‌شود، برای دانش‌آموزان بیان شود. با توجه به اینکه در این سن، دانش‌آموزان دختر و پسر غسل‌های واجب را برعهده دارند، لذا بار دیگر و برای تأکید، در این درس به آن اشاره شده است. همچنین با توجه به اینکه یکی از موارد تیمم، انجام آن به جای غسل است، لذا لازم است که بار دیگر به آموزش تیمم پرداخته شود.

محورهای اصلی درس

۱ ارزش و برکات وضو از زبان پیامبر ﷺ

۲ موارد وجوب وضو

- ۳ موارد استحباب وضو
- ۴ هفت شرط صحت وضو
- ۵ شیوه انجام غسل
- ۶ مواردی که به جای غسل یا وضو باید تیمم کرد.
- ۷ شیوه انجام تیمم
- ۸ آنچه که وضو و تیمم را باطل می کند.

این درس به این پرسش ها پاسخ می دهد :

- ۱ آیا فقط برای خواندن نماز باید وضو گرفت؟
- ۲ آیا با هر آبی (مثلاً آب دریا) می توان وضو گرفت؟
- ۳ آیا بر روی لاک می توان وضو گرفت؟
- ۴ چه مواقعی باید تیمم کرد؟
- ۵ چگونه تیمم کنیم؟
- ۶ چه چیزی موجب باطل شدن وضو یا تیمم می شود؟

تحلیل اجزای درس

■ **ورودیه :** این ورودیه با حدیثی از پیامبر آغاز شده است تا فلسفه و حکمت اعمال مختلف وضو تبیین شود. همچنین در بخش دیگری از ورودیه، حدیث دیگری از پیامبر در خصوص استحباب وضو گرفتن در همه اوقات بیان شده است. بسیاری از دانش آموزان گمان می کنند که وضو گرفتن فقط برای خواندن نماز است، در حالی که یکی از توصیه های پیشوایان دین این است که هر کس سعی کند تا حد امکان در تمام اوقات روز با وضو باشد، زیرا وضو آثار و برکات بسیاری دارد که در این حدیث برخی از این آثار بیان شده است. نکته مهم در مورد این حدیث این است که پیامبر با این سخن به دنبال واجب کردن وضو در تمام اوقات روز نبوده است، بلکه ایشان توصیه کرده است که در حد امکان سعی کنید تا در همه حالات با وضو باشید و لذا نباید این حدیث را به گونه ای بیان کرد که مخاطب گمان کند وضو در همه حال واجب است.

■ **شرایط وضوی صحیح :** شرایط صحت وضو، بیش از هفت مورد است که در اینجا با توجه به نیاز دانش آموز تنها به این هفت مورد اکتفا شده است.

نکته مهم : با توجه به زیاد بودن مطالب این بخش سعی شود تا به درک مفهوم درس توسط دانش آموزان توجه کنیم و آنها را وادار به حفظ عبارات و واژگان نکنیم؛ مثلاً اگر دانش آموزی آب مطلق را به آب خالص

تعبیر کرد، معلوم است متوجه معنای این بخش شده است و نباید عین کلمهٔ آب مطلق را از او بخواهیم. حتی ممکن است دانش آموزی در تعریف آب مطلق تنها بتواند به نمونه‌هایی از این آب اشاره کند، مثلاً بگوید آب رودخانه، آب چشمه و آب لوله‌کشی را آب مطلق می‌گویند، اما آب گلاب یا میوه، مطلق نیست. این نشان می‌دهد که مخاطب مفهوم آب مطلق را درک کرده و همین برای ما کافی است.

■ **فعالیت کلاسی:** این فعالیت محک خوبی است برای اینکه دریابیم دانش‌آموزان تا چه حد احکام مطرح‌شده در درس را فرا گرفته‌اند.

مورد اول اشاره به بحث آب مطلق و مضاف دارد که دانش‌آموزان با توجه به اطلاعاتی که در این باره کسب کرده‌اند پاسخ این پرسش را می‌دهند.

مورد دوم نیز به بحث آب مطلق و مضاف مربوط می‌شود. در پاسخ به این سؤال، اکثر دانش‌آموزان وضوگرفتن از آب رودخانه را صحیح می‌دانند، اما احتمالاً افراد نکته‌سنجی هم به این مطلب اشاره می‌کنند که گاه آب رودخانه‌ها به علت بارش شدید باران و ورود گل‌ولای به آب، به شدت گل‌آلود می‌شود. در چنین شرایطی آب رودخانه، دیگر آب خالص یا مطلق نیست و تبدیل به آب مضاف می‌شود و از همین جهت وضوگرفتن با آن، باعث بطلان وضو می‌شود.

مورد سوم نیز دو جواب دارد. اگر صحبت پشت تلفن به قدری طولانی شود که حالت وضو به هم بخورد، وضو باطل است. اما اگر صحبت کوتاهی باشد، مثلاً در این حد که سلام و علیکی بکنیم و به آن فرد بگوییم که بعداً با وی تماس می‌گیریم، وضوی ما صحیح است.

■ **بیشتر بدانیم:** در این قسمت برخی سؤالات رایج دانش‌آموزان در خصوص مسائل پیرامونی وضو پاسخ داده شده است. برای زیاد نشدن احکام این درس، این مطالب در قسمت بیشتر بدانیم قرار گرفته تا خود دانش‌آموز براساس میل و رغبت شخصی خود به دانستن احکام، به سراغ این مطالب برود.

■ **غسل:** در این قسمت، دو نکته بایستی به‌خوبی برای دانش‌آموزان توضیح داده شود: اول موارد وجوب غسل و دوم شیوهٔ انجام آن. در موارد وجوب غسل برای دختران، باید به احکام خاص بانوان در این خصوص اشاره شود و در موارد وجوب غسل برای پسران نیز باید به احکام ویژهٔ آقایان در خصوص وجوب غسل توجه شود.

دیران بایستی بدون هیچ‌گونه خجالت و با وضوح تمام، احکام دین را برای جوانان مطرح کنند، زیرا نپرداختن به این احکام به بهانهٔ شرم و حیا، ممکن است باعث شود فردی تا آخر عمر، این موارد را یاد نگیرد و به‌خطارود.

■ **تیمم:** دانش‌آموزان در پایهٔ چهارم ابتدایی با تیمم و برخی احکام آن آشنا شده‌اند. اکنون لازم است بار دیگر تیمم به آنها آموزش داده شود. این آموزش دوباره از دو جهت است: اول آنکه از آشنایی اولیهٔ دانش‌آموزان با موضوع تیمم، پنج سال می‌گذرد و به یادآوری مجدد نیاز دارد؛ دوم اینکه دانش‌آموزان در

سنی قرار دارند که در برخی زمان‌ها غسل بر آنها واجب می‌شود و در برخی شرایط بایستی به جای غسل، تیمم کنند؛ لذا مطلوب است که بار دیگر احکام تیمم را با دقت بیشتری فرا گیرند.

■ **فعالیت کلاسی :** در بخش قبلی دو مورد از مواردی که باید به جای غسل یا وضو، تیمم کرد، بیان شد. در این فعالیت از مخاطبان خواسته شده که سه مورد دیگر را نیز بیان کنند. نکته قابل توجه در این بخش این است که موردی که در خود کتاب ذکر شده است، از مواردی است که دانش‌آموزان در کتاب هدیه‌های آسمان پایه چهارم با آن آشنا نشده‌اند، برای همین کاملاً جدید است. اما در کتاب چهارم، سه مورد از موارد وجود تیمم بیان گردیده است که انتظار می‌رود دانش‌آموزان در این فعالیت، همان موارد را بیان کنند.

این موارد عبارت‌اند از :

۱ آب نداشته باشیم.

۲ آب باشد اما استفاده از آب برای بدن ضرر داشته باشد.

۳ وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیریم یا غسل کنیم، نماز قضا می‌شود.

■ **شیوه انجام تیمم :** در این قسمت مراحل تیمم به ترتیب نشان داده شده است، اما نکاتی را لازم است در این قسمت بدانیم :

۱ در کتاب گفته شده که تیمم باید بر خاک پاک یا هر چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، انجام گیرد. چیزهای دیگری که تیمم بر آن صحیح است، عبارت‌اند از : سنگ، کلوخ، سنگ مرمر، ریگ.

۲ در هنگام تیمم در کف دست‌ها و یا پیشانی و پشت دست‌ها مانعی نباشد، مثلاً کسی که انگشتر در دست دارد نمی‌تواند با انگشتر تیمم کند.

دانستنی‌های معلم

چند حدیث درباره وضو :

■ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : وضو زیاد بگیر تا خداوند عمرت را زیاد کند. (امالی مفید، ص ۶۰، ج ۵)

■ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پا در وضو رازی دارد. شستن صورت در وضو، یعنی خدایا هرگناهی که با این صورت انجام دادم، آن را شست و شو می‌کنم تا با صورت پاک به جانب تو بایستم و عبادت کنم، شستن دست‌ها در وضو، یعنی خدایا، از هر گناه دست شستم و به واسطه گناهی که با دستم مرتکب شدم، دستم را تطهیر می‌کنم. مسح سر در وضو، یعنی خدایا، از هر خیال و فکر باطل و گناه‌آلود که در سر پرورانده‌ام، سرم را تطهیر می‌کنم و آن فکر و خیالات باطل را از سر به دور می‌اندازم. مسح پا، یعنی خدایا، من از رفتن به جاها و مکان‌های نامناسب پا می‌کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده‌ام، تطهیر می‌کنم. (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۲)

■ پیامبر ﷺ: وقتی یکی از شما از خانه با طهارت (با وضو) خارج شود، در این صورت ملائکه در حق او دعا می‌کنند و می‌گویند: خدایا او را بیمارز، خدایا بر او رحم کن. (جامع احادیث شیعه، ج ۶، ص ۳۸۷)

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱ آموزش احکام، ویژه دختران، محمدحسین فلاح زاده، نشر الهادی.
- ۲ آموزش احکام، ویژه پسران، محمد حسین فلاح زاده، نشر الهادی.
- ۳ احکام عمومی، محمد وحیدی، نشر عصمت.
- ۴ احکام زندگی، محمد حسین فلاح زاده، نشر فرهنگ اسلامی.